



# نمایش عروسکی

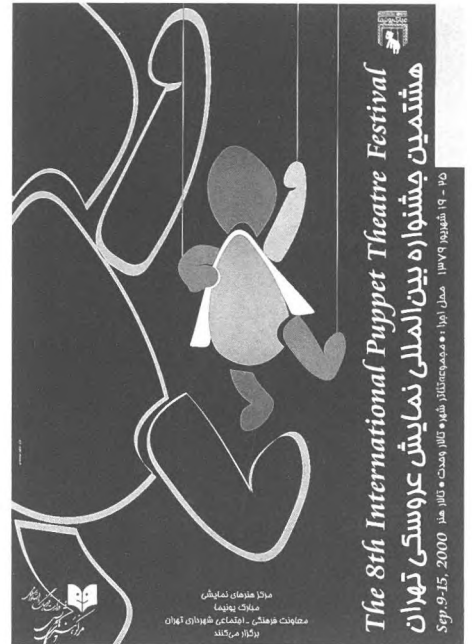


هشتمین جشنواره بین المللی  
نمایش عروسکی تهران  
۱۹ تا ۲۵ شهریور

The 8th International  
Puppet Theatre Festival  
September 9 - 15 , 2000

N  
A  
M  
M  
A  
Y  
Y  
E  
S  
H





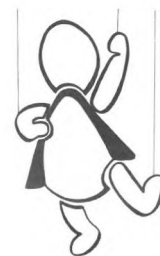
# نمایش

N A M A Y E S H

## ویژه هشتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی

تهران - ۱۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۷۹

□ سردبیر	: لاله تقیان
□ طراح و مدیر فنی	: انوشیروان میرزائی کوچکسرائی
□ حروف‌نگار	: فرزانه سرمدی
□ صفحه‌آرا	: امیر شهیدی یکتا
□ طرح جلد	: الهام معظمی
□ عکاس	: فتانه دادخواه - حجتا ترصدی
□ لیتوگرافی رنگی	: جهاد دانشگاهی (واحد هنر)
□ چاپ رنگی	: چاپ نخسین
□ چاپ متن	: انتشارات نمایش
□ همکاران	: رحمت امینی - علی اصغر دشتی، ایمان ذوقی، وحید ترحمی مقدم جواد تولمی، سهیل خداپرستی، اختر اعتمادی



مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکسها با ذکر مأخذ آزاد است. «نمایش» در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب وارده مختار است. مقالات رسیده به هیچوجه مسترد نخواهد شد. نشریه‌ای از: کمیته انتشارات هشتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی  
نشانی: خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (ارغ)، تالار وحدت، انتشارات نمایش، تلفن ۶۷۰۸۸۶۱ و ۶۷۰۵۱۰۱

## خیمه شب بازی

در باره "خیمه شب بازی" یا دیگر انواع نمایش عروسکی سنتی ایران تا به حال چیزی جز مطالبی کلی درباره شیوه اجرا و برخی داستان‌ها که در این خیمه‌های کوچک به نمایش در می‌آید، گفته نشده، و هنوز مفصل‌ترین و جامع‌ترین گزارش در این زمینه همانست که در کتاب "نمایش در ایران" ذکر شده است. تاریخ انتشار این کتاب مربوط به بیست و شش سال قبل است، و از آن پس تحقیق مستقل و دقیقی که بتواند بر اطلاعات موجود، از نظر تاریخی، اجرایی و مفاهیم موضوعی این نوع نمایش، چیزی بیفزاید، انجام نشده است؛ چند مقاله مختصری هم که در این مورد نوشته شده، محدود است به گزارش‌هایی ناقص از اجرای برنامه. در حال حاضر نیز در تهران تنها دو تن به ادامه کار جدی و اصیل خیمه‌شب بازی ادامه می‌دهند: استاد احمد خمسه‌ای و استاد اصغر احمدی که آنان نیز جز آنچه به نمایش در می‌آورند، اطلاعات گسترده و جامعی از پیشینه کارشان ندارند. اما هنرشان را گرامی می‌داریم و ارج می‌نهمیم که زنده ماندن این سنت، از همت عالی آنهاست.

به این ترتیب آنچه امروز با نام "خیمه شب بازی" ایرانی به نمایش در می‌آید، یکی از نادرترین انواع بازی با عروسک در جهان است و شیوه‌ای است که در هیچ یک از کشورهای جهان نظیرش وجود ندارد. در واقع این هنر یکتا، دارای مشخصاتی است که آن را در زمینه‌های اجرایی و شخصیت‌های نمایشی و چگونگی شیوه و تکنیک نمایشنامه‌نویسی، از نظائرش متمایز می‌کند:

۱- بازی عروسکی ایران تلفیقی است از نقش‌آفرینی عروسک‌ها و انسان‌ها، و در اجرای نمایش "خیمه‌شب بازی"، تنها عروسک‌ها نیستند که به بازسازی قصه می‌پردازند، بلکه "مرشد" و "نوازنده" و "عروسک‌ها" با هم و به تساوی در حضور تماشاگر، ایفای نقش می‌کنند.

۲- "مرشد" در این نمایش‌ها، بر خلاف سنت معمول، قصه‌گو و روایتگر نیست؛ بلکه آشکارا یکی از بازیگران نمایش است. میان او و عروسک‌ها، رابطه‌ای عاطفی برقرار است. گاه مهربانند و گاه درگیر می‌شوند، قهر و آشتی دارند و مهر و کین، و حتی گاه درگیری میان انسان و عروسک، "حادثه" ساز نمایش است.

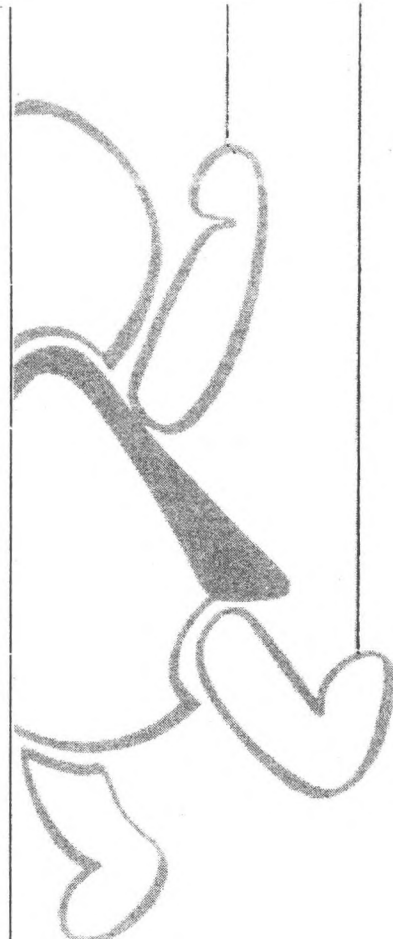
۳- رفتار عروسک‌ها با "مرشد" دو جنبه متضاد دارد: مرشد هم بزرگتر و پدر است و تمامی عروسک‌ها، حتی پهلوان و شاه نیز او را "باباجان" خطاب می‌کنند و برای هر حرکتی از او اجازه می‌گیرند، و هم با او چون یکی از شخصیت‌های قصه (عروسک)، ارتباط برقرار می‌کنند و درگیر می‌شوند.

۴- در این نوع نمایش به هیچ وجه بر معیارهای "انسانی" تأکید نمی‌شود و همواره به نحوی به تماشاگر خاطر نشان می‌شود که این موجودات، عروسک و ساخته دست بشرند.

۵- عروسک‌ها معمولاً با هم ارتباط چندانی ندارند، حرکات آنان نیز عموماً محدود و کم و بیش مشابه است. اما ارتباط میان عروسک‌ها از طریق مکالمه با مرشد انجام می‌گیرد، به جز نقش "مبارک" که گاه با دیگر عروسک‌ها، مستقیماً حرف می‌زند.

همانطور که پیشتر هم اشاره شد، برخی از صاحب‌نظران، نمایش‌های خیمه‌شب بازی را به جز تأثیری که از تئاتر عروسکی ترکستان و قره‌گوز ترکی پذیرفته، متأثر از نمایش‌های عروسکی چینی و هندی و امثال آن نیز دانسته‌اند، اما در این مورد به سندی معتبر یا نشانه‌ای مشخص، اشاره نکرده‌اند. به هر حال مأخذ این ادعا هر چه باشد، امریست قابل تردید، چون اساساً هیچیک از نمایش‌های عروسکی کشورهای آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی، نه در موضوع و نه در ساختار اجرایی، شباهتی با خیمه شب بازی ندارند؛ به این دلیل که آن نمایش‌ها، عموماً با زمینه‌ای مذهبی - حماسی پدید آمده‌اند، نه برای سرگرمی و خنده، در حالیکه خیمه‌شب بازی ایرانی به هیچ‌وجه جنبه حماسی یا مذهبی ندارد و کمترین نشانی از توجه به اعتقادات ماوراء الطبیعی در آن نیست. در خیمه شب بازی، انسان و عروسک مساویند و عروسک‌ها با تأکید بر اینکه ساختگی‌اند، حاضر می‌شوند، و اگر از قصه اخلاقی - اجتماعی خود فراتر روند، تنها به مسائل و مشکلات روزمره می‌پردازند. اما عروسک‌های شرقی، اغلب نماد ارواح و موجودات و نیروهائی ورائی قدرت و توانائی انسانند؛ و بر فوق طبیعی بودن آنان تأکید می‌رود.

- خلاصه مقاله "خیمه شب بازی، نمایش یکتا". لاله تقیان، فصلنامه تئاتر، شماره ۱۴ - سال ۱۳۷۰.



### در این شماره می‌خوانیم

- ۳ خیمه‌شب‌بازی
- ۴ نیروی نهفته و پنهان عروسک
- ۶ عروسک، ماسک و سایه...
- ۸ محتوی و تکنیک دو کفه ترازو
- ۹ مولانا و پس کوجه‌ها...
- ۱۰ گزارش همایش جشنواره
- ۱۱ گنجینه‌هایی گرانبها
- ۱۲ فیروز و لایه اوزون
- ۱۳ دنیای زیبای عروسک‌ها
- ۱۴ نقد و بررسی اخبار
- ۱۶ ارتباط بیشتر با یونیمما...
- ۱۷ معرفی گروه‌ها
- ۱۹ کیفیت نمایش‌های جشنواره
- ۲۱ بخش انگلیسی

## نیروی نهفته و پنهان عروسک

گفتگو با جواد ذوالفقاری کارگردان نمایش عروسکی "سیاوش، فرنگیس"



جواد ذوالفقاری متولد سال ۱۳۳۱ است. از سال ۱۳۵۱ در دانشکده هنرهای دراماتیک در رشته نمایش عروسکی فعالیت خود را شروع کرد. در این سال‌ها چند نمایش دانشجویی را به اجرا درآورده و از سال ۱۳۵۸ تا کنون به تدریس این رشته در دانشگاه‌ها مشغول است.

در اوایل انقلاب مجموعه‌ای از نمایش‌های کوتاه با موضوعات روز و بر اساس خیمه‌شب‌بازی سنتی در تئاتر شهر و تلویزیون به اجرا درآمد. نمایش‌هایی چون: دوستان الماس، وضعیت ۶ و... در سال ۱۳۶۱ نمایش بز زنگوله پا را در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به اجرا گذارد.

وی اولین عضو انفرادی اتحادیه جهانی نمایش عروسکی در ایران است که در زمینه اجرای خیمه شب بازی سنتی و شرکت آن در ۱۴ جشنواره جهانی همکاری داشته است.

وی همچنین در جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران نیز اجرایی داشته است. آخرین نمایش او که اجرای جدید از نمایش بز زنگوله پاست با نام "کدو قلقله زن" در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به اجرا درآمد. جواد ذوالفقاری با نمایش عروسکی "سیاوش، فرنگیس" یکی از شرکت‌کنندگان حرفه‌ای جشنواره بین‌المللی است.

● آقای ذوالفقاری نظر شما درباره جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران چیست؟

جواد ذوالفقاری: از آنجا که عموماً کار هنر احساسی است طبیعتاً ایجاد انگیزه برای کار، بسیار مهم و مؤثر است و جشنواره جهانی نمایش عروسکی تهران یک فراخوان ملی برای گردهم‌آئی گروه‌های نمایش عروسکی ایرانی و آشنایی با نمونه‌های نمایش عروسکی جهان است و طبیعتاً چون نام جشنواره بر آن است گروه‌های شرکت‌کننده، بیشترین کوشش خود را در زمینه ارتقاء کیفی نمایش‌های خود دارند و همین موجب پیشرفت نمایش عروسکی ما می‌شود و از موارد محدودی است که خارجی‌ها می‌توانند



از نمایش ما شناختی بدست آورند.

● لطفاً درباره تکنیک نمایش عروسکی در ایران و ارتباط آن با نمایش عروسکی جهان، توضیح دهید؟

جواد ذوالفقاری: علیرغم محدودیت ارتباطی که متأسفانه ما در قرن ۲۱ با جهان نمایش عروسکی داریم، اما خوشبختانه از نظر دانش و بهره‌گیری از فنون جدید دچار کمبود نیستیم. و گواه محبت من نظری است که از شرکت‌کنندگان در جشنواره‌های ما و بازدیدکنندگان گروه‌های ایرانی شرکت‌کننده در جشنواره‌های خارجی شنیده‌ایم. اما متأسفانه چنین درخشش‌هایی به صورت جرقه‌ای و گذرا بوده است. یعنی تنها به هنگام جشنواره درخشیده و بعد از آن فراموش شده‌اند. در حالیکه چنین فنی در حضور و با نفس تماشاگر است که شکل می‌گیرد و قوام پیدا می‌کند و در نهایت به شکل آرمانی در آمده و می‌ماند. آن زمان به عنوان یک سبک خاص مطرح و ثبت می‌شود و این امر به علت

عدم اجرای مداوم نمایش‌های عروسکی در طی سال و نداشتن تماشاخانه‌های ثابت عروسکی میسر نشده است.

● تفاوت نمایش‌های عروسکی با انواع نمایش‌های دیگر چیست؟

جواد ذوالفقاری: نمایش عروسکی با دیگر شاخه‌های نمایشی تفاوتی ندارد بلکه امتیازات خاصی نیز متوجه آن است. از آن جا که به عنوان نمونه پانتومیم به علت عدم استفاده از کلام، زبانی جهانی است. نمایش عروسکی نیز چون بیشتر به فرم‌های تصویری و رویا توجه دارد می‌تواند به زبان جهانی نزدیکتر باشد. همانگونه که در بسیاری از گروه‌هایی که تمایل به شرکت در جشنواره‌های جهانی دارند، از نمایش‌های بدون کلام عروسکی بهره می‌گیرند و از آنجا که عموماً در نمایش عروسکی ما شاهد تصاویر رویایی و تخیلی بیشتر هستیم، موضوعات به شکل تصویری سریعتر دریافت می‌شود.



را به خود جلب کند. می توان به اجراهای لوبیای سحرآمیز، سفر سبز در سبز و کدوقلقه زن اشاره داشت. شکوفائی این هنر هم حمایت لازم از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خصوصاً شهرداری های مختلف می تواند راهگشا و حامی این هنر باشد. بی تردید در آن صورت می توان به شکوفائی استعداد های هنرمندان این رشته و پرکردن اوقات فراقت مردم ما خصوصاً کودکان در سالمترین شکل ممکن پرداخت.

● چه پیشنهاد هایی درباره بالا بردن سطح کمی، کیفی نمایش عروسکی دارید؟

جواد ذوالفقاری: اولین و اساسی ترین کمبود نمایش عروسکی ایران فراهم آوردن اجرا های ثابت و مداوم از سوی بخش دولتی و خصوصی یعنی ایجاد تماشاخانه های ثابت نمایش عروسکی در بسیاری از کشورهای جهان، حمایت دولت و خصوصاً شهرداری ها انجام می گیرد. می تواند سرمشقی برای نجات و تحول نمایش عروسکی ما باشد و همچنین فراهم آوردن زمینه های پژوهشی از طریق چاپ کتب و نشریات و حمایت از انجمن های عروسکی زمینه تقویت این هنر را فراهم خواهد کرد. ■



یک نیروی نهفته و پنهان است که به علت عدم حمایت کافی و اختصاص بودجه لازم سالن های نمایش ویژه این هنر تا کنون نتوانسته است جایگاه لازم خود را به دست آورد. اما هر گاه که این فرصت در اختیار این هنر قرار گرفته است توانسته مخاطبان کافی

● ارتباط شما با مبارک یونیمای؟

جواد ذوالفقاری: از سال ۱۳۵۲ ارتباط و مکاتبه و اعلام اخبار و گزارش های از نمایش عروسکی برای این اتحادیه جهانی را انجام می دادم و از زمانیکه مبارک یونیمای در ایران تأسیس شد به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره مشغول فعالیت هستم. همچنین از سوی مبارک یونیمای به عنوان یکی از سه نماینده ایرانی در کنگره جهانی یونیمای در سال ۲۰۰۰ در آلمان حضور داشتم و پیشنهادهای انتخاب یک روز از سال را به عنوان روز جهانی نمایش عروسکی ارائه کردم که به اتفاق آرا مورد تصویب قرار گرفت.

● ارزش های نمایش عروسکی در چیست؟

جواد ذوالفقاری: نمایش عروسکی عموماً از صفا و صداقت و صمیمیت خاصی برخوردار است که به هنگام تماشای یک نمایش عروسکی ما معمولاً به جوهره نمایش نزدیکتر می شویم و در نتیجه دریافتی پاکتر و شریف تر از جهان را کسب خواهیم کرد.

● جایگاه نمایش عروسکی در ایران؟

جواد ذوالفقاری: نمایش عروسکی ایران

### گزارش جلسه نقد و بررسی نمایش دریا، پری، کاکل زری در سالن شماره ۲ تئاتر شهر

در حالیکه کارگردان می توانست در اجرای حرکات عروسکها از دو عروسک و حتی از سه عروسک استفاده کند تا شاهد اجرای حرکات بهتری از عروسکها باشیم. مسعود توکلی دیگر منتقد این جلسه ضمن تبریک به گروه اجرایی به دلیل ارتباط درستی که نمایش با تماشاگر برقرار کرده بود گفت: استفاده از نور و موسیقی در اجرا به درستی انجام شده بود اما طراحی صحنه با آنکه کاملاً حرفه ای بود، متأسفانه در اجرا چندان کاربرد پیدا نکرد. در پایان حسین زاده گفت: اگر چه ممکن است متن فساد آتسجام لازم باشد و عناصر دراماتیک را چندان رعایت نکرده باشد و اما با تلاش هایی که گروه نمایش از خود نشان دادند و با ارتباطی که با مخاطبان خود برقرار کردند، نشان دادند که می توانند با بهره گیری از استعداد های خود، اجرایی موفق را به وجود آورند.

می رسانند وی به کار بردن واژه هایی که در نمایش برای مخاطب کودک بد آموزی داشت را از دیگر ضعف های متن عنوان کرد و در ادامه افزود: به نظر می رسد نویسندگان و کارگردان نمایش با یک همفکری دیگر و با باز نویسی مجدد و نیز مشاوره از نویسندگان کودک و نوجوان می توانست این نمایشنامه را به سستی منسجم تر و پالوده تر تبدیل کنند تا به تأثیر گذاری بیشتر در ارتباط با مخاطب برسند. صدیقی هم چنین اجرای عروسک گردانی را در حد حرفه ای توصیف کرد و در این رابطه گفت: عروسک گردان ها با راهنمایی کارگردان توانسته بودند به خوبی از پس اجرای کارشان بر بیایند چرا که نوع حرکات و اجرای آنها چیزی از عروسک گردان های با تجربه و معتبر کم نداشت تنها چیزی که در عروسکها تماشاگر را آزار می داد حرکت نداشتن یکی از دست های عروسکها بود.

جلسه نقد و بررسی نمایش دریا، پری، کاکل زری به کارگردانی مهرداد صفاریان در چهارمین روز از برگزاری هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی تهران در سالن شماره ۲ تئاتر شهر برگزار شد. در این جلسه بهزاد صدیقی، مسعود توکلی و کتایون حسین زاده این نمایش را به نقد کشیدند. صفاریان درباره اجرای نمایش خود گفت: این نمایش مخصوص مقطع سنی نوجوانان به بالا است. سپس بهزاد صدیقی درباره این نمایش گفت: متن فکری منسجم اگر نویسنده در دیالوگ نویسی حساب شده عمل می کرد و به جای در دیالوگها را رعایت می کرد موفق تر بود. ضمن اینکه استفاده از لهجه بومی برای نمایشی که موقعیت مکانی مشخصی ندارد و سراسر قصه تخیلی است؛ به ساختار زبانی نمایش آسیب



## عروسک، ماسک و سایه در تئاتر شرق

### لاله نقیان

معمولاً با برخی شیوه‌های ریاضت و مراقبه و جادو و سحر به دست آورد. هرگاه کسی کار شگرف بزرگی برای کسی یا جامعه‌ای به انجام رساند، آن کار، "آئین جادویی" محسوب می‌شود، یا به قولی "شرط لازم در اختیار گرفتن مانا (قدرت جادویی) است".

اما مهم‌ترین دوران تاریخ فرهنگ در شرق انتشار تدریجی فرهنگ هند است که یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخ در نخستین هزاره مسیحیت در این خطه به شمار می‌رود. جالب این که سلطه فرهنگی هند بر خلاف معمول با جنگ و جدل‌های سیاسی و نظامی صورت نگرفت، بلکه از طریق مبلغان مذهبی، تجار و روشنفکران استقرار یافت.

هندی‌ها تسلط بی‌نظیر بر نجوم و ریاضیات داشتند، مذاهب والا و پیچیده‌ای را تجربه کرده بودند و اشکار هنر پیشرفته را می‌شناختند. بنابراین روحانیون برهن، طلبه‌هایی بودائی و تجار و روشنفکران در سفرهای خود این فرهنگ را آموزش و انتشار دادند.

اما همانطور که ذکر شده عامل مهمی که انتشار فرهنگ هند را در آسیای جنوب شرقی آسان کرده بود، اشتراک در معتقدات جاندار انگاری طبیعت بود. حکام محلی آسیای جنوب شرقی بی‌درنگ با فرهنگ بسیار پیچیده هند که در آن منابع تازه‌ای از قدرت جادویی در پرستش ویشنو، شیوا، بودا، و نوع جدید رابطه و پیوند میان نمادهای ثبت شده در هنر و ادبیات هند، شگفت‌انگیز بود، آشنا شدند.

در سراسر جاوه، بالی، مالایا، برمه، تایلند، کامبوج و لائوس فرهنگ هند به نحوی کاملاً یکدست و به ویژه در تئاتر تأثیری جاودانه گذارد. جنبه‌های مهم این فرهنگ عبارتند از: ۱- برهمانیسم، به ویژه آئین پرستش شیوا که پایگاه مذهبی نمایش‌های تئاتری شد. ۲- ادبیات حماسی هند به خصوص دو حماسه بزرگ هندی رامایانا و مهابهاراتا که منابع غنی بوده و دستمایه کارهای تئاتری شد ۳- داستان‌های

حدود ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی، فرهنگ هند به سوی برمه، تایلند، کامبوج، ویتنام جنوبی، مالایا و سرزمین‌های سوماترا، بورنئو، جاوه و بالی پیشرفت کرد که این حوزه، همه نقاط آسیای جنوب شرقی به استثنای لائوس، ویتنام شمالی، فیلیپین و جزایر غربی اندونزی را در بر می‌گیرد: در این دوران شالوده‌گسترش بعدی تئاتر در آنچه مربوط به بسیاری از فرم‌های کلاسیک می‌شود، پی‌ریزی شد. به ویژه رقص تئاتری و نمایش عروسکی. در دورانی که تقریباً از ۱۳۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی و اندونزی (به جز بالی) ادامه یافت، بسیاری به کیش اسلام درآمدند، و آنانکه با چین در ارتباط بودند جایگزین مهاجرین قدیمی مالایا شدند و حکومت‌هایی در برمه، لائوس و قسمتی از ویتنام تشکیل دادند. در این دوران فعالیت‌های نمایشی بسیار رواج داشت و تئاترهای درباری به مرحله پیشرفته‌ای رسید. از حدود ۱۷۵۰ تا پایان جنگ دوم جهانی آمریکا و اروپا در آسیای جنوب شرقی به جز تایلند سلطه سیاسی و اقتصادی پیدا کردند و آنجا را تحت کنترل خود در آوردند. بیشتر انواع تئاتر "مردمی" که امروز عرضه می‌شوند، در این دوران تکامل یافتند.

اما در دوران ما قبل تاریخ، مردم آسیای جنوب شرقی اقوام مهاجری بودند که با نام‌های متفاوت چون اونوزیایی یا اندونزیایی و غیره خوانده می‌شوند. این مهاجرین با فرهنگ‌های متفاوت قومی، آداب و سنن متفاوت و زبان‌های مختلف که به تدریج در آسیای جنوب شرقی مستقر شدند وجود مشترکی نیز داشتند از جمله اعتقاد به مذهب جاندار انگاری طبیعت، کشت برنج و اشتراک در برخی اساطیر، و این امر در مذهب آنان بزرگترین انگیزه برای پیدایش تئاتر به حساب می‌آید. معتقدان به مذهب یاد شده بر این باورند که در همه چیز در جهان روحی وجود دارد، در سنگ، در دانه برنج، در درخت، در کوه، در رودخانه و... جاندارانگار همچنین به وجود قدرت خارق‌العاده یا "قدرت جادویی" معتقد است و بنابر آن باور دارد که انسان می‌تواند کنترل آن قدرت را با اعمال خود

یکی بود یکی نبود. نجاری بود به نام سواکرام که در ساختن عروسک‌های چوبی مهارت بسیار داشت. عروسک‌های او آنقدر زیبا بودند که گویی انسان‌هایی حقیقی‌اند و جان دارند. یکبار پارواتی از همسرش شیوا در خواست کرد که به این عروسک‌ها جان ببخشد، شیوا نیز شفقت کرد و به آن جان داد. عروسک‌ها رقصیدن آغاز کردند و قلب سواکرام مالمال از شادی و نشاط شد. اما عروسک‌ها پس از مدتی رقصیدن، آواز خواندن، خندیدن، دوباره بی‌جان شدند. سواکرام در غم و اندوهی عمیق فرو رفت. لحظاتی بعد پنداشت صدای مهربانی از بهشت با او سخن می‌گوید که: "سواکرام، اگر می‌خواهی عروسک‌ها جانی دوباره بیابند، به آنها نخ ببند و سر نخ‌ها را در دست‌های بگیر." سواکرام چنین کرد و دوباره با دست‌های خود به عروسک‌ها جان بخشید. بلافاصله عروسک‌ها رقصیدن و خواندن آغاز کردند. سواکرام نیز شادی دوباره یافت و خدای را سپاس گفت.

این افسانه‌ای راجستانی درباره تولد تئاتر عروسکی در هند است.

آنچه در این گفتار از نظر جغرافیایی مورد نظر ماست برخی کشورهای آسیایی، یعنی هندوستان، چین، ژاپن، و به ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی است. و آنچه از نظر فرهنگی به آن نظر می‌افکنیم معنی و مفهوم اجتماعی نمایش‌های عروسکی، ماسک و سایه در شرق است، و نه معرفی شیوه‌ها و فنون اجرایی آنها.

بنابر نظریه جیمز آر. براندن: "چهار دوران فرهنگی بزرگ در تاریخ آسیای جنوب شرقی وجود دارد، که هر یک از آنها به وضوح، وضعیت فرهنگی متفاوتی برای گسترش تئاتر فراهم آورده است. دوران ما قبل تاریخ از ۲۵۰۰ ق.م تا ۱۰۰ م. در این دوران آسیای جنوب شرقی با آمدن مردمی از شمال که عرف جاندار انگاری طبیعت داشتند و از تمدن نسبتاً عالی برخوردار بودند به خود آبادی دید. تئاتر می‌تواند از این دوران آغاز شده باشد. از





ولادت بودا (جاتا کا) که با بودیسم اشاعه یافت و چهار شیوه خاص رقص هندی که بیشتر به مناطق ذکر شده راه یافت.

نفوذ فرهنگی چین از دوران امپراطوری مغول صورت گرفت. در این زمان هنرهای نمایشی چین به طرق گوناگون به آسیای جنوب شرقی راه پیدا کرد. به ویژه موسیقی چین و عناصر و اشکال بسیار پیچیده اپرای چینی و همچنین تئاتر سایه و عروسکی چین که از ظرافت خاصی در نوع عروسک و شیوه کار برخوردار بود و تأثیر آنها از این پس در اکثر کشورهای منطقه انکارناپذیر است.

همچنین بودیسم ماهایانی چینی، فلسفه اخلاقی کنفوسیوس کتابت و شیوه حکومت چینی، چگونگی آموزش هنرهای کلاسیک، خدمات حقوق مدنی و دیوان سالاری ماندارین ها نیز دری تازه بر مردم این مناطق گشود و با فرهنگ غنی هند که پیش از این جای خود را باز کرده بود در آمیخت.

پس از آن باید به جریان عمده فرهنگی دیگری که از سوی کشورهای انسانی به منطقه راه یافت اشاره کرد و آن نفوذ مذهب اسلام و یکتاپرستی بود که همراه با انتشار اعتماد جدید، داستان های عربی، ایرانی، بین النهرین و مصری را در این نواحی شناساند و بسیاری از گروه های نمایشی با حرص و ولع قصه های اسلامی را به اجرا آوردند، و از آن میان باید به داستان امیر حمزه، ماجراهای قهرمانان شاهنامه، رویدادهای افسانه اسکندر و بالاخره هزار و یک شب اشاره کرد.

همچنین باید خاطر نشان کرد که عروسک ها، ماسک ها، و سایه ها در تمامی دوران های یاد شده به عنوان میراث فرهنگی مورد احترام بوده و نقش اساسی خود را در ارتباط میان مذهب و مردم حفظ کردند. این نقش اساسی را باید چنین توجیه کرد:

همانطور که ذکر شد زیربنای اعتقاد میان مردم این خطه جاندارانگاری طبیعت بود و بر این اساس می بایست واسطه ای میان بشر و قدرت های جاودویی ارتباط برقرار کند. عروسک، ماسک و سایه، عناصر ارتباطی میان انسان و پدیده های ما بعدالطبیعی بودند و انسان از طریق آنان می توانست با دنیای دیگری تماس حاصل کند، و به این دلیل این عناصر را باید ابزار و وسیله ای برای آرامش

روح و وجدان جامعه دانست. کاربرد اجتماعی این نمایش ها نیز در نمونه های زیر به خوبی دیده می شود:

۱- "وایانگ کولیت" یا نمایش سایه اندونزی آئینی مذهبی به شمار می آید و "دالانگ" یا نمایشگر این نمایش ها نیز ابلیس قلمداد می شود. این نمایش که مورد علاقه و احترام بسیار مردم است، عنصری است مهم در مراسم تشریفات خاص چون ازدواج، سالگرد تولد، یا برگزاری اعیاد جشن های مذهبی، و چون طبیعت مذهب در منطقه ریشه در کشمکش میان خیر و شر دارد، این نمایش ها نقش حفظ و صیانت جامعه از مصایب طبیعی را نیز بر عهده دارند. حتی در موارد بسیاری تصویر سایه عروسک های وایانگ کولیت بر پرده کودکان بیمار را شفا داده است.



۲- در شیوه تئاتر - ماسک "یونگ یان سائده" در کره، بازیگران از ماسک های کاغذی استفاده می کنند و بعد از اجرای نمایش آنها را می سوزانند چرا که آنان بر این باورند که ارواح شریر در ماسک ها ساکنند و با سوزاندن آنها روح پلیدی از جامعه رخت بر می بندد.

۳- راجستانی ها در هند معتقدند که عروسک های نخی با قدرت فوق بشری که نیروهای ماوراءالطبیعی به دست های عروسک گردان داده اند، و از طریق نخ ها و عروسک انتقال می یابد جان می گیرند و حرکت آنان بازتاب قدرت خداوند است.

۴- در برمه نوعی نمایش با نام "نات پو" وجود دارد (در زبان برمه ای پو به معنای نمایش است) که به معنای واسطه در رقص های روح است. در این نمایش آئینی رقص واسطه ای برقراری ارتباط میان ارواح جاندارانگاری طبیعت و مردم است. در برمه همچنین

نمایش عروسکی پیشرفته ای وجود داشته با نام "یوکنه پو". عروسک گردان این نمایش ها اوپیودو خواننده می شد و قادر بود به تنهایی ۶۰ نخ را به حرکت درآورد. اوپیودو به زبان برمه ای به معنای "مرید روح" است و همین نشان می دهد که این نمایش ها نیز در مذهب جاندارانگاری طبیعت ریشه داشته و جنبه های فوق بشری تکیه دارند.

محققانی که از دو نید مختلف طبیعی و ماوراءطبیعی (غربی و شرقی) به مسأله ماسک می نگرند، دو توجیه مختلف از آن عرضه می دارند: در یک توجیه فی المثل ماسک بر گردانی از چهره های جانوران است و در توجیه دیگر ماسک مظهر قداست خدایان یا عالم ارواح.

یکی از بزرگترین پژوهشگرانی که از این دیدگاه ماوراءالطبیعی ماسک های مقدس تمدن های هند و ژاپن را بررسی کرده، بورکهارت است که در یکی از تحقیقات خود چنین می گوید: "نقاب مقدس پیش از هر چیز وسیله تجلی قداست است. فردیت آنکه نقاب به چهره می زند نه تنها در برابر رمزی که به خود بسته زایل می گردد، بلکه با آن رمز تا آنجا در می آمیزد که ابزار حضور ذاتی ما فوق انسانی می شود. زیرا کاربرد آئینی نقاب چیزی به مراتب بیش از نقش پردازی و تصویر سازی ساده است. چنانکه گویی نقاب با مستور داشتن چهره یا نفس خارجی نقابدار همزمان امکان مکتومی را که در وی هست بی نقاب می کند. انسان واقعاً همان رمزی می شود که چون جامه به تن کرده است. امری که در عین حال مستلزم نوعی شکل پذیری روانی و نفوذی روحانی است که در شکل نقاب فعلیت یافته است."

به این نکته نیز اشاره کنم که درست است که تراژدی های یونانی هم نقاب بازیگران چیزی بیش از واقعیت انسانی را القا می کرد، اما آن واقعیت فوق انسانی مربوط به خدایانی می شد که همه در صفات و اخلاق شبیه انسان بودند، ولی قدرتی بیش از وی داشتند، حال آنکه در شرق به طور کلی آن واقعیت فوق انسانی از مقوله ماوراء طبیعت و لاهوت است. بنابراین تفاوت میان عروسک، ماسک و سایه در غرب و شرق به ویژه در همین است: یکی پیوند با آسمان دارد و دیگری ارتباط با زمین.





## محتوی و تکنیک در دو کفه ترازو

گفتگو با آقای "محمد اعلمی" و  
خانم "آزاده انصاری" کارگردانان  
نمایش "تنهاترین زیبای مرده"

علی اصغر دشتی

نتیجه بهتری خواهد داد.  
انصاری: من فکر می‌کنم یکی از دلایلی هم این است که گروه‌های تئاتری الان تقریباً شناخته شده‌اند و به همین دلیل مرکز از آنها پشتیبانی می‌کند. ولی گروه‌های عروسکی این پشتیبانی و امکانات را ندارند. ما تنها امکانی که داشتیم همان تالار هنر بود که آنهم تعطیل شد. هر چند به نظر من آن تالار هنر هم به تنهایی کافی نبود اگر ما می‌خواستیم نمایش عروسکی را به مردم نشان دهیم باید در جاهایی غیر از تالار هنر هم اجرا می‌شد. تئاتر عروسکی باید در تئاتر شهر و مراکز دیگر هم اجرا شود، یکجا کافی نیست. و برای بچه‌های عروسکی جشنواره به جشنواره کار می‌کنند. با این شکل کار کردن اگر گروهی هم وجود داشته باشد این گروه در عرض دو سال از هم می‌پاشد.  
اعلمی: تئاتر عروسکی در کشور ما به شکل یکسویه جا افتاده، نمایش عروسکی مختص کودکان. و این مطلب که ذهن مردم و تماشاگران جا می‌افتد غلط است در حالی که چیزی به نام عروسکی بزرگسال داریم که متأسفانه جا نیفتاده. ■

خیلی کم داریم و ارتباطمان با دنیای اطراف کم است و همین باعث می‌شود که بچه‌ها برای کار کردن از یک طرح به نمایش عروسکی می‌رسند و به این فکر نمی‌کنند که این طرح چقدر جا و قابلیت عروسکی دارد.  
● به نظر شما وجود گروه‌های ثابت عروسکی جدای از جشنواره چه کمکی به جذب و تربیت مخاطب عروسکی خواهند کرد.  
اعلمی: تجربه نشان داده است که گروه‌های ثابت عروسکی در طول سال به تدریج کار کرده‌اند یک گروه ثابت عروسکی دیگر منتظر تصویب و جشنواره نیست. اینگونه‌ها گروهی در کنار هم کار می‌کنند و اصلاً پراکنده نیستند. با یک تیم ثابت در طول سال کار می‌کنند و ابتکار عمل و خلاقیت بیشتری دارند و مسلماً بازدهی بیشتری دارد. نود و نه درصد بچه‌های عروسکی هدفشان جشنواره است یا به بهانه جشنواره اجرای عموم گرفتن. ولی اگر بچه‌ها صرفاً به هدف و انگیزه جشنواره کار نکنند و در قالب یک گروه ثابت در طول سال کار کنند

● به نظر شما ضعف عمومی و تکنیک در تئاتر عروسکی کشور ما چیست؟  
انصاری: امکاناتی که کشورهای دیگر دارند ما نداریم. البته ما استعدادها خیلی درخشانی داریم و یکی از دلایلی همین است.  
اعلمی: اصولاً نود درصد نمایش‌های عروسکی کارهای دانشجویی است. دوستان و حتی خود من به دلیل میل به خلاقیت به دنبال کارهای نو می‌روند و به دنبال بحث تکنیکی می‌روند و از محتوی غافل می‌شوند. در کارهای آن‌ها مسائل تکنیکی و فنی دیده می‌شود ولی از نظر محتوی ضعیف است چون ما سعی نمی‌کنیم دو کفه ترازو را میزان کنیم. دوستانی هم که کارهای حرفه‌ای می‌کنند و اساتید ما هستند و محترم ولی بی‌تشر به بحث محتوایی فکر می‌کنند و نوآوری در کارهایشان کمتر دیده می‌شود. این ضعف‌ها در تئاتر عروسکی کشور وجود دارد البته کارهایی هم وجود داشته که هم دارای محتوی بوده هم تکنیک ولی خیلی کم.  
انصاری: من فکر می‌کنم یکی از دلایلی هم این باشد که ما منابع عروسکی





## مولانا و کوچه پس کوچه‌های تهران

### گفتگو با شهاب راحله کارگردان نمایش خیابانی موسی و شبان

● لطفاً کمی درباره چگونگی شکل‌گیری نمایش خیابانی موسی و شبان برایمان توضیح دهید.

شهاب راحله: نمایش عروسکی موسی و شبان برگرفته از داستان‌های مولانا است. از دفتر دوم مثنوی که به صورت یک طرح کلی از داستان مفصلی که مولانا به نظم گفته توانستیم تهیه کنیم.

شیوه اجرایی ما نیز از عروسک‌های بزرگ تن پوش هستند که با یکسری رقص‌های محلی نه مخصوص ایران بلکه مخصوص کشورهای مرکزی آفریقا که یکسری را از این رقص‌ها جمع کردیم و این زبان بین‌المللی موسی که با زبان خودش حمد خدا را می‌کند به شکلی نمود یابد که این صحبت فقط برای ما نیست چون مولانا فردی صحبت نمی‌کرده حتی در جایی از نمایش ما داریم که آیه صریح قرآن استفاده گردیده است و اینکه نمایش یک کار گروهی است.

● چه چیز باعث شد که شما روی به متون کهن بیاورید و از آن در شکل خیابانی استفاده کنید؟

شهاب راحله: من خودم یک ایرانی هستم و فکر کردم که با زبان خودم که یک زبان بین‌المللی است، یک نمایش کهنه ایرانی بسازم. من احساس می‌کنم که این طرح‌های ادبی خودمان خیلی پخته است. در جایی می‌خواندم هنرمندان نمایشی که از ادبیات خودشان استفاده نمی‌کنند همیشه ضعیف عمل می‌کنند نگاه می‌کنیم در فرانسه تمام کسانی که در حیطه نمایشی کار می‌کنند از ادبیات کهن خود بهره می‌برند. از ادبیات کهنه خود ما نیز بهره می‌گیرند مثل پیتر بروک که منطق الطیر سیمرغ را انتخاب می‌کند حالا چرا ما خودمان اینکار را نکنیم و این بود که دست به تجربه‌ای جدید زدیم و خیلی از آن راضی هستیم چون یک طرح کوچک ما را به خیلی جاها برد.

● در بخش خیابانی تأثیر اینگونه متون را در جلب مخاطب چطور می‌دانید؟

شهاب راحله: ببینید در بخش خیابانی حالا تماشاگر فرصت آنرا ندارد که داستان را شروع کند و به یک اوجی برسد و گره‌گشایی کند حداکثر باید در ۱۵ دقیقه یک داستان را

توضیح بدهد و تا آنجا که می‌تواند از دیالوگ صرف‌نظر شود. پس می‌توان یکسری حرکت را دید و جذب شد و حالا ما از یک حرکت استفاده کرده‌ایم و آمده‌ایم داستانی را با چهار و پنج خط یادآور که در طول کار گفته می‌شود هدف خود را رسانده‌ایم چرا که از هر کجایی نمایش که تماشاگر بایسته متوجه شود که ما چه می‌خواهیم بگوئیم و این را مدیون حرکت‌های نمایشی هستیم چون حرکات و آئین حرف اول را می‌زند.

● پیشبرد نمایش‌های خیابانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

شهاب راحله: نمایش در ایران خیلی مهجور است. چه سالنی چه خیابانی، اما با همکاری هنرهای نمایشی این طور ارزیابی می‌شود که طی این مدت ۴ - ۵ ساله اخیر خیلی رشد داشته است چون من به عنوان یک آدم ادی ممکن است پول نداشته باشم که پول بلیط بدهم و الان مردم ما فهمیده‌اند نمایش خیابانی چیست تا جایی که حتی همدیگر را دعوت می‌کنند که در فلان جا نمایش اجرا می‌شود. ما در منطقه خودمان شهر ری جایی بود که اصلاً شاید با سواد وجود نداشته باشد که بفهمد نمایش چیست و ما نمایش را اجرا می‌کردیم تا جایی رسید که خود مردم نگهبان ما شدند و این نشان می‌دهد که نمایش خیابانی جذب می‌کند.

● به عنوان آخرین سؤال اگر می‌توانید در یک یا چند جمله تعریفی از نمایش خیابانی داشته باشید؟

شهاب راحله: سؤال سختی است من گمان می‌کنم نمایش خیابانی حالت پزشک عاشقی را دارد که به دیدن مریض می‌رود و از او می‌پرسد که دردت چیست؟ ■



## گزارش همایش جشنواره

که جدیدترین آن، به انسان ارزانی می‌دارد.

قزل‌ایاغ با اشاره به یکی از برجستگی‌های این افسانه‌ها که سرانجام محتوم آنها پیروزی نیکی بر بدی است گفت: این مسأله نئی است که بی‌وقفه در گوش آدمی نواخته می‌شود و به انسان یادآوری می‌کند که اگر نیک بماند و خیرخواه پا را از جاده درستی بیرون نگذارد، صداقت داشته باشد، به دیگران مهر بورزد و تلاش کند و سرانجام خواهد یافت. او در ادامه سخنان خود با اشاره به بر شمردن یکی دیگر از ویژگی‌های افسانه‌های عامیانه و عنوان کردن این که افسانه‌ها زمینه‌های تجربه‌هایی استثنایی را برای کودکان فراهم می‌آورند گفت: این افسانه‌ها تجربه‌هایی گوناگون است که از همراهی با قهرمانان و همزاد پنداری با آنها حاصل می‌شود که گرچه دست اول نیست ولی ارزش‌های آن را نباید دست کم گرفت. وی یادآور شد: این افسانه‌ها

به خیالی‌ترین شکل ممکن به مسائل انسانی می‌پردازد و این کار را به طور غیر مستقیم انجام می‌دهند. یکی از این تجربه‌ها فرصت جبران خطاهاست. قهرمانان قصه‌ها هیچگاه با یکبار اشتباه کردن از گردونه هستی خارج نمی‌شوند از باب مثال در قصه نارنج و ترنج، جوان دوبار اشتباه می‌کند ولی بار سوم با اتکا به تجربه‌های خود سومین دختر نارنج و ترنج را برای خود نگه می‌دارد. ثریا قزل‌ایاغ در پایان سخنان خود تصریح کرد، اگر باور داریم که پرورش کودک مثل پر کردن یک ظرف نیست بلکه مثل روشن کردن یک شعله است این افسانه‌ها هستند که شعله‌ها را بر می‌افروزند و کودکان را تا بدانجا پیش می‌برند که بخواهند و بتوانند و از هیمة جانسان برای روشن نگه داشتن شعله مایه بگذارد. این جلسه با پرسش و پاسخ و نیز با صحبت‌های جواد ذوالفقاری پایان یافت. ذوالفقاری در مورد چگونگی استفاده از افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه در نمایشنامه‌های عروسکی امروزی و نیز شخصیت قهرمانان و افسانه‌ها سخن گفت. ■



می‌پردازد، آنها را دگرگون می‌کند و از نو می‌آفریند، فرآیندی که مصداق‌های عالی آن را در هنر می‌توان مشاهده کرد. وی در ادامه سخنان با اشاره به چگونگی ابداع "پرداز" و کشف کردن آن به وسیله عنصر تخیل گفت: به روشنی می‌بینیم آنچه که او از دهانه غارش به فتح راز عظیم هدایت کرد، ابتدا خیال او بود، جهان خیال، جهان آزادی و اختیار است، حتی اگر عالم واقع قلمرو محدودیت و التزام باشد. خوشبختی بشر در آن است که هیچ نیرویی جز مرگ و بعضاً تلویزیون در مورد کودکان آن قادر نیست خیال او را به بند بکشد و آن را از حرکت باز دارد. در جهان خیال انسان آنگونه که شایسته خود می‌داند زندگی می‌کند جهان موازی با جهان واقعی که به انسان امکان می‌دهد با هر رفت و برگشتی تجربه‌های دو جهان را به هم پیوند بزند و عاقل و منطقی و متوازن بهانه و رنج زیستن در جهان واقعی را تحمل کند. فرصتی که عرصه هنر، از شعر و قصه گرفته تا نقاشی و پیکر تراشی و نمایش و موسیقی که انتزاعی‌ترین شکل آن است و سینما

در سومین روز و آخرین روز از برگزاری همایش سه روزه نمایش عروسکی که همزمان با برگزاری هشتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران در خانه هنرمندان ایران برگزار شد، ثریا قزل‌ایاغ با عنوان "کودکان و خیالگرایی جادویی افسانه‌های کهن" به ایراد سخن پرداخت. قزل‌ایاغ عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی و نویسنده و مترجم کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. کتاب قصه‌گویی و نمایش خلاق از معروف‌ترین کتاب‌های او به شمار می‌رود که تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. او هم اکنون در حال تألیف فرهنگ بازی ملی رایج ایران است که در آن حدود ۲۰۰۰ بازی ایرانی معرفی شده است. "قزل‌ایاغ" در آغاز سخنان خود گفت: تصور نمی‌کنم که کسی شک داشته باشد که تخیل سرچشمه آفرینندگی است اگر انسان، انسان است با نیروی تخیل و تعقل خود انسان شده است.... نیروی شگفت‌انگیزی که انسان با کمک آن کشف می‌کند، به تبیین خیال یافته‌هایش





## گنجینه‌های گرانبها در جمع مردم

● در مورد قصه‌های اولیه جی‌جی‌بی‌جی منابع خاصی وجود دارد یا خیر؟!

حیدرپور: نه اینها سابق توسط مطرب‌های شیراز در عروسی‌ها اجرا می‌شد. نه چیز خاصی ندیده‌ام و اگر باشد چیزهای دست‌نویسی است که شاید پیدا شود، ولی مواردی که مثل نسخه‌ی تعزیه باشد خیر چیزی ندیده‌ام.

● در مورد اصل خیمه‌شب بازی و شیوه

حیدرپور: این عروسک‌هایی که ما استفاده می‌کنیم خیلی قدیمی است که به شکل دستکشی است و سرهای آنها از خاک اره و کاغذ ساخته شده که به نسبت هر

● درباره نمایش جی‌جی‌بی‌جی بگویند؟  
حیدرپور: جی‌جی‌بی‌جی یک برنامه سنتی عروسک بازی است که در بیش از صدها سال است که در شیراز بازی شده ما همراه با این نمایش موسیقی ویلون - دایره زنگی، ضرب و گاهی اوقات هم نی با عروسک‌گردانان همراهی می‌کند البته این نمایش به شکل و انواع زیادی است. از جمله عروسکی هست به نام مینا که همان عروسک بانو است که تصمیم داریم آنرا هم به مورد اجرا بگذاریم البته بنده سالهاست که در امر تعزیه نیز فعالیت می‌کنم و تصمیم دارم که سنت‌ها به خصوص سنت‌های شیراز را که در حال از بین رفتن است مجدداً احیا کنم.

● شخصیت‌هایی که در کار جی‌جی‌بی‌جی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نوع ارتباط و فضایی را که نمایش در آن شکل می‌گیرد تعریف کنید؟

حیدرپور: یک پرده‌ای را در جلوی گوشی آویزان می‌کنیم و عروسک‌گردان‌ها در پشت آن به اجرای نمایش می‌پردازند. این پرده سنتی (ترمه‌ای) است. داستان ما هم اسمش پهلوان کچلک است که به صورت مختصر داستان یک دختر پادشاه است که توسط دیوی دزدیده می‌شود و پهلوان کچلک (قلی‌خان) برای نجات آن دختر به جنگ دیوها می‌رود، در این نمایش شخصیت دیوها ۳ تا هستند، ۲ برادر با پدرشان که دارای ۳ شاخ است همچنین شخصیتی دیگر به نام وروره جادو که درصد جادو کردن قلی‌خان است و به عنوان مادر دیوها است، و در پایان نیز قلی‌خان موفق می‌شود که دخترک را نجات دهد و پادشاه به قول خود عمل می‌کند.

● نوع عروسک‌هایی که استفاده می‌شود چگونه است؟!



شخصیت رنگ آمیزی شده است.

● کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند و یا قبلاً فعالیت می‌کرده‌اند را شما به خاطر دارید؟!

حیدرپور: قبلاً آقای حبیب شکرریز بودند که فوت کردند و در چند سال پیش نیز آقای فقیه کار می‌کردند، ولی در حال حاضر عروسک‌گردانی در شیراز به ندرت انجام می‌شود و افراد خاصی نیستند، البته اگر بخواهند می‌توانند ولی باید حمایت شوند.

● در حال حاضر چه تعدادی در شیراز به این حرفه مشغول هستند؟!

حیدرپور: گروه خود ما نزدیک به ۳۰ نفر هستند و ما در هر مورد از تعدادی از آنها استفاده می‌کنیم. به غیر از ما چند نفری دیگر هستند ولی کار نمی‌کنند.

اجرای آن شما اطلاعات خاصی دارید؟!

حیدرپور: من تا حدی اطلاع دارم. متأسفانه آنهایی که اطلاعاتی هم داشته‌اند از دست رفته‌اند، نوقت‌ها که ما بچه بودیم وقتی که این برنامه‌ها را می‌دیدیم، فرض کنید گروهی را دعوت می‌کردند مثل احمد جوانمرد یا محمد. آخرهای شب یک برنامه‌ای اجرا می‌کردند و در فکر اینکه این چی بشه و نشه دیگر نبودند و بعد هم مدتی این برنامه‌ها تعطیل شد و استفاده نشد. تعدادی فوت کردند و تعدادی هم به فراموشی سپرده شدند و از بین رفتند. ما در حال حاضر در بین گروه خودمان یکی از تعزیه خوانهایمان ۷۴ سال سن دارد. گنجینه ما اینها هستند. ■



## فیروز و لایه اوزون

### گفتگو با علی اصغر خطیبزاده کارگردان نمایش نبرد فیروز از دامغان

● در ابتدای کار در مورد متن نمایشی که آماده کرده‌اید و شیوه اجرایی آن توضیح دهید؟  
خطیبزاده: نمایش نبرد فیروز را از ابتدا بر اساس بداهه قرار دادیم. تم کار مشخص شد و از نمایش داستانی تازه تعریف کردیم چون شخصیت اصلی فیروز (سیاه) شوخ طبع است فضای نمایش می‌طلبید که بر اساس بداهه بتوان آنرا اجرا کرد. در حین تمرینات نیز با دوستان نزدیک به ۱۰۰ ساعت کار بداهه انجام دادیم که در مجموع از بین آن ۳۰ دقیقه مورد استفاده قرار گرفت و در مدت ۲ ماه تمرین خیلی تغییر و تحول در آن ایجاد شد. موضوع کلی نیز در این ارتباط با پهلوان است که ۵ سال قبل رفته و حالا به میان مردم می‌آید تا پهلوانی دیگر انتخاب کند و فیروز اعلام وجود می‌کند. استاد او را به یک بیابان لم یزرع می‌فرستد که در آنجا با ۳ دیو کثیف، پرخور و تنبل روبرو می‌شود و با شکست آنها پهلوان را نجات می‌دهد. در این نمایش

ترکیبی از ماسک و عروسک را مورد استفاده قرار داده‌ایم که ۳ ماسک و ۳ عروسک است.  
● نقش افسانه‌ها را در نمایش‌هایی که به شکل خیابانی و یا صحنه‌ای اجرا می‌شوند در بخش عروسکی چگونه می‌بینید؟  
خطیبزاده: ببینید نمایش خیابانی یک نمایش تفریحی است و یک تئاتر معترض سیاسی. اما در این مورد که با مسائل روحی و فکری مردم چه اندازه منطبق می‌شود، بحثی دیگر است. ولی من ایمان دارم به این قضیه که ما با اسطوره‌ها زندگی می‌کنیم، یعنی در هر ملتی و در هر گوشه‌ای از این دنیا با مردمی سر و کار داریم که با اسطوره‌های ملی خودشان سر و کار دارند حال با انتخاب آنها نیز برای تماشاگر به نوعی همذات پنداری می‌رسیم که تماشاگران با آن شخصیت‌ها دارند.  
● نمایش شما چیست؟  
خطیبزاده: با توجه به این تصور که در

وجود تمامی ما دیوهائی وجود دارد که باید با آن دست و پنجه نرم کنیم. مثلاً دیو زراندوزی، خود پرستی و... تمام دیوهایی که نمی‌گذارند ما به هدفمان برسیم، ما در این نمایش مثلاً دیو کثیف را در نظر گرفته‌ایم که از مسئله لایه اوزون گرفته تا کوچکترین مسائلی که غالباً در زندگی، ما وجود دارد مطرح می‌شود و که در مقابل آنها نیز فیروز را قرار داده‌ام که شخصیتی مثبت است.

● شخصیت فیروزی برگرفته از اعتقاد مردم کدام منطقه است؟

خطیبزاده: خیر متعلق به منطقه خاصی نیست منتهی من فیروز را که در نمایش‌های دیگر با صغیر صحبت می‌کند در این نمایش با این کلام معمولی صحبت می‌کند یا برعکس نمایش‌هایی که با نخ مبارک را می‌گردانند در این کار او شکل دستکشی دارد و با لحن صدای سیاه اجر می‌شود و طبق مطالعاتی که داشته‌ام این فیروز متعلق به منطقه خاصی نیست و شخصاً خواستم از شخصیت فیروز به عنوان پهلوان استفاده کنم.  
● فیروز نمایش شما یعنی با مبارک نمایش‌های تخت حوضی و با خیمه شب بازی تفاوت خاصی ندارد.

خطیبزاده: خیر ولی قابلیت‌های فیروز ما نسبت به مبارک نخی خیلی بیشتر است که می‌تواند اشیا را بلند کند و از آن بازی بسازد. حتی فیروز ما با استاد می‌جنگد و یقه استاد را می‌گیرد و کارائی فیزیکی او را خیلی بیشتر کرده‌ایم.

● برخورد تماشاگران با نمایش شما در مدتی که اجرا داشته‌اید چگونه است؟

خطیبزاده: خیلی خوب بود. خصوصاً در پارک اعتماد که بچه‌ها خیلی دوست داشتند فیروز ما را ببوسند و من در حین اجرای کار آن را به میان بچه‌ها می‌بردم و آنها را نوازش می‌کردم و در پایان کار اتفاقاً چند تا از بچه‌ها خواستند که فیروز را به آنها بدهم و این اولین تجربه عروسکی من است که خیلی جالب بود. ■





## ◀ دنیای زیبای عروسک‌ها

گفتگو با حسن طاهری طراح نمایش "خروس بلا"



● لطفاً از حضورتان در جشنواره پیش بگوئید.

**طاهری:** دوره پیش یعنی دو سال قبل، سال پرکار و زحمتی برای من بود، من طراحی و ساخت عروسک و طراحی صحنه نمایش "رویای شبانه" را در بخش صحنه، طراحی و ساخت عروسک‌های نمایش خیابانی "داستان زندگی" و "من به مدرسه می‌روم" ساخت عروسک نمایش "حریم خلوت‌راز" و نیز بازی در نمایش "آنگاه شیر سلطان شد". البته به این فهرست بازی در نمایش "بی‌مصرف‌ها" که البته در بازیابی مردود شد را هم اضافه کنید. حتی تصور هم مشکل است وقت خیلی کم بود؛ بودجه‌های اختصاصی به گروه‌ها هم همینطور و من دست‌تنها بودم. خیلی را کیفیت کارهایم در دوره پیش راضی نیستم.

● کار خود را در این جشنواره چگونه می‌بینید؟

**طاهری:** امسال تمرکز را بیشتر برای یک کار گذاشتم، و این کمی از دغدغه‌های دوره پیش من کاسته بود. کار برای من خیلی دوست

داشتنی بود، و من سعی کردم در طراحی‌ها تا حد امکان به سوی فانتزی بروم، این همان دنیایی است که بچه‌ها به آن عشق می‌ورزند

و با آن ارتباط برقرار می‌کنند، زمانی که کودک برای نمایش کف می‌زند، جیغ می‌کشد و می‌خندد، گویی کار به ثمر رسیده، من صدای خنده بچه‌ها را زمانی که کار را می‌دیدند عروسک‌ها را می‌دیدند و می‌شنیدم و همان موقع تمام خستگی این چند ماه از تن بیرون رفت. و برای من هم همین کافی است.

● آیا دیدگاه خاصی در ارتباط با طراحی در کارهایتان دارید.

**طاهری:** نه من، زمانی که متن را می‌خوانم، آنچه که باید در ذهنم شکل می‌گیرد، شخصیت‌ها فرم، لباس‌ها، صحنه

کارگاه دوخت و نیز کارگاه دکور قابل تقدیر بود، کارها به موقع انجام می‌شد و من از پیشرفت کار راضی بودم. آنچه مرا کمی دلخور کرده و می‌کند این است که در جشنواره‌ای که به نام عروسک‌ها شکل می‌گیرد، نقدی، تقدیری و یا نظرخواهی جدی برای آنها صورت نمی‌گیرد، چگونگی شیوه‌های عروسکی در کارها مورد نقد قرار نمی‌گیرد، و طراحان پشت دیوار بلندی از تیتراهای دیگر و موضوعات دیگر نادیده گرفته می‌شوند، اگر عروسک‌ها و سازنده‌هایشان را بانیان این جشنواره‌ها ندانیم، بی‌انصافی است. اگر آنها را یکی از پایه‌های اصلی و اساسی در جشنواره به



و... که این پایه طراحی است. البته بعد از پیاده کردن این طرح‌ها، آنها با کارگردان کارم در میان می‌گذارم و راجع به آن به بحث می‌نشینیم و کار نهایی را انتخاب می‌کنیم.

● نظرتان راجع به نحوه برگزاری این دوره و مشکلات آن و مزایای آنرا بیان کنید.

**طاهری:** جشنواره نسبت به دوره قبل بی‌دردرتر شکل گرفت، همکاری صمیمانه

حساب نیاوریم، اما متأسفانه دریغ از یک میزگرد، جهت بحث و بررسی طراحی‌ها و ساخت و سازها. بیایم کمی عروسک‌ها را جدی‌تر بگیریم و از آنها به عنوان اعضای مهم جشنواره یاد کنیم. و البته دنیای زیبای عروسک‌ها به همین یک هفته‌ها و جشنواره‌ها نباشد. بلکه جشنواره‌ها پایه‌ای برای هر چه محکم‌تر کردن پایگاه این دنیای زیبا و شگفت‌انگیز باشد. ■



## گزارش جلسه نقد و بررسی "قوز بالای قوز"

جلسه نقد و بررسی نمایش "قوز بالای قوز" نوشته اردشیر صالحپور و به کارگردانی "کریم سعیدیان" روز دوشنبه پس از اجرای دوم نمایش در سالن اصلی تئاتر شهر برگزار شد. در این جلسه "نصراله قادری"، "فرشید ابراهیمیان" و "فرشته حبیبی" از اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران، "اردشیر صالحپور" نویسنده متن و "کریم سعیدیان" کارگردان این نمایش عروسکی حضور داشتند.

"قوز بالای قوز" متنی است که بر اساس قصه‌ای فولکور نگاشته شده و نویسنده در نوشتن آن گوشه چشمی به ادبیات نمایشی سنتی داشته است. در گفته خود نویسنده متن برای یک اجرای عروسکی نوشته شده است. آقای صالحپور افزود این متن از قابلیت نمایشی عروسکی بالایی برخوردار است چرا که اتفاق‌ها، رخدادها و تبدیلاتی که در این قصه صورت می‌گیرد بسیار فانتزی است. صرفاً در تخیل ممکن است. در همین راستا، آقای قادری پس از ارائه تعریفی از نمایش عروسکی عنوان کرد که این نمی‌تواند یک نمایش عروسکی باشد چرا که اگر عروسک‌ها را برداریم، و به جای آن انسان قرار دهیم، خلی در نمایش رخ نمی‌دهد و چیزی از آن نمی‌کاهد.

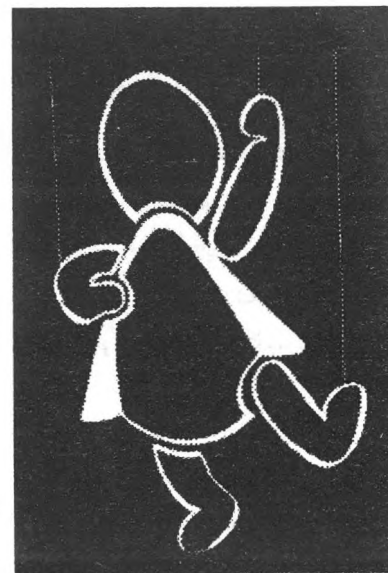
در ادامه آقای ابراهیمیان اضافه کرد که نمایش عروسکی یعنی رسوخ در اشیاء، یعنی جان دادن به اشیاء، به شکلی که تخیلی باشد. در واقع این نکته مرز این هنر با شعر است. اما در این اثر شاهد هیچ اتفاق تخیل‌برانگیزی نیستیم.

کارگردان نمایش در پاسخ به دلیل انتخاب این متن، نامساعد بودن شرایط

جشنواره را مطرح نمود. او همچنین افزود. متنی که من برای اجرا به دبیرخانه جشنواره فرستاده بودم، مورد قبول واقع نشد و بنابراین متن فعلی را انتخاب کردم که برای کار عروسکی نوشته شده است، مسئله شرایط صحبت شرکت و اجرا در جشنواره و وضعیت بودجه ناچیزی که به گروه‌های مجری اختصاص می‌یابد، همچنین فرصت کم برای تمرین و... از مسائلی است که اکثر کارگردان‌ها مطرح می‌کنند و هر ضعیفی به نوعی می‌تواند با این کاستی‌های مرتبط باشد. ولی این مسائل که تازگی هم ندارد نباید موجب عجزولانگی و ارائه اثری ناهمگون و توجیه‌ناپذیر باشد.

منتقدین جلسه، با لحاظ کردن این موضوع که شرایط جشنواره قابل درک هستند، خواستار عدم اختلاط این مسئله با ضعف‌های دیگر کار شدند. آقای قادری عنوان کرد که یکی از خصیصه‌های اصلی نمایش عروسکی بیدار کردن کودکان در انسان است. اسن مسئله که به تحلیل و زبردستی کارگردان مربوط می‌شود را نمی‌توان نادیده گرفت.

همچنین بحث‌های دیگری در ارتباط با فرم عروسک‌ها، موسیقی نمایش، بازه‌ها و غیره شکلی مختصر و بسته انجام شد. جلسه هر چند ناتمام پایان یافت اما، گفتگوی خوب و بحث‌های مثبتی را ایجاد کرد.



## جلسه نقد و بررسی نمایش "ریواران"

جلسه نقد و بررسی نمایش "ریواران" به کارگردانی محمدعلی عبدالملکی در تالار هنر با حضور صمد چینی‌فروشان و سعید علی تدین صدوقی و با حضور کارگردان نمایش برگزار گردید.

ابتدا چینی‌فروشان در خصوص تبدیل یک داستان به نمایشنامه اینگونه توضیح داد: در تبدیل داستان به نمایشنامه می‌بایست بار کلامی و توصیفی را کاهش داد. اما در این کار بار کلام تحرک عروسک‌ها را گرفته بود و ماجرا تبدیل به کنش صحنه‌ای نشده بود. و عروسک‌ها صرفاً راوی بودند عروسک‌ها حضور واقعی در صحنه نداشته و با نبودن حرکت هیچگونه جذابیتی برای تماشاگر نداشتند. هر چند وقتی شروع نمایش را دیدیم با آن حرکت خوب و زیبا به خود وعده نمایش عروسکی متفاوت و قوی‌ای را دادیم اما متأسفانه اینگونه نشد.

عبدالملکی کارگردان نمایش در پاسخ به این ایراد گفت: من به این موارد واقفم اما می‌خواستم کاری متفاوت کرده باشم نه با عروسک بلکه با پارچه. این دومین تجربه عروسکی من است. می‌خواستم با پارچه طرحی نو در اندازم. حتی مایل نبودم از آن دو عروسک شیر و روباه استفاده کنم اما با پارچه توانستیم آن را بسازیم. اما در خصوص متن، درون مایه کار را دوست داشتیم و می‌خواستم هر طور که شده این داستان را اجرا کنم.

صدوقی منتقد دیگر جلسه گفت: اما هر داستانی را نمی‌شود به صحنه کشید. در واقع داستان باید قابلیت دراماتیزه شدن را داشته باشد. در صحنه بیشتر عروسک گردان‌ها را دیدیم تا عروسک‌ها را. عمده اشکال شما





من دیدن عروسک‌ها در صحنه با حضور عروسک‌گردان‌ها است، اما شاید اگر هر عروسک‌گردانی یک عروسک داشته باشد بهتر است و یان اضافه می‌کند که ما به تهران آمده‌ایم تا در جشنواره شرکت کنیم و نمایش ببینیم. در مورد این نمایش باید بگویم که تصور می‌کنم این نمایش از سنت‌های ایران بوده، و برای ما آشنائی با هنرهای ایرانی به ویژه هنرهای سنتی بسیار جالب است.

امیدواریم مطالعات این تماشاگران که حضورشان به عنوان تماشاگر مفهوم بین‌المللی بودن جشنواره را کاملتر می‌کند، سر‌غازی باشد برای دیدار مردم دیگر کشورها از آثار نمایشی هنرمندان ما.

### سرقت در جشنواره

تعدادی از تابلوهای تبلیغاتی جشنواره عروسکی که در نقاط مختلف تهران نصب شده بود در شب‌های گذشته توسط افراد ناشناس به سرقت رفت. چهارراه ولیعصر، تجریش، ونک و... جالب‌تر آنکه در نزدیکی تالار هنر (خیابان ورزنده) نه تنها پارچه‌ای که بر آن تصویر پوستر جشنواره نقش بسته بود رپوده شد، بلکه سارقین داربست‌ها را نیز به سرقت بردند.

### استقبال بی‌نظیر

وقتی صدای موسیقی اسب چوبی در فضای آزاد مجموعه تئاتر شهر طنین انداز گردید و بازیگران در لباس‌های بومی بر اطراف اسب چوبی حلقه بستند، جماعت تماشاگر حلقه بزرگی بر گرد نمایشگران زدند که هر لحظه بر لایه‌های آن افزوده گشت تا جایی که انبوه جمعیت برای بهتر دیدن این نمایش بر روی انگشتان پا بلند شده بودند. در پایان نمایش پس از تشویق طولانی و بازیگران توسط تماشاگران، عده‌ای با صدای "دوباره، دوباره" تقاضای اجرای مجدد نمایش را کردند. ■

عدم پرداخت و حرکت و کنش اصلی بود. یعنی اگر قرار است داستانی را به صحنه بکشیم باید آن را با رعایت اصول دراماتیک اجرا کنیم. برای هر ماجرای هر شیوه‌ای را نمی‌توان انتخاب کرد. به دیگر سخن باید شیوه اجرایی را متناسب با محتوی و فرم اجرا انتخاب کرد. این اجتناب‌ناپذیر است چنانچه شیوه اجرایی نادرست انتخاب شود پرداخت، حرکت‌ها، میزان‌ها و همه و همه اشتباه از آب در می‌آید. هر چند شما می‌خواستید کاری تصویری ارائه دهید اما در عمل اینطور نشد بر عکس شروع بسیار خوب کار هر چند که زبان، زبان فارسی نبود اما یک نمایش عروسکی که بر پایه تصویر هم استوار است. نباید زبان در آن چندان تأثیر بگذارد.

چینی فروشان در تکمیل صحبت‌های صدوقی گفت: چون تصاویر گویا نبودند و بعضاً ارتباطی با ماجرا نداشتند هر چند اگر هم زبان فارسی بود و کردی نبود باز تماشاگر بی‌حوصله می‌شد.

در پاسخ به این مشکل عبدالملکی توضیح داد: در کار به این نکات رسیدیم، اما شاید نتوانستیم آنطور که باید اهدافمان را اجرا کنیم که از کم تجربگی ماست.

### حضور مهمانان خارجی در جلسات نقد و بررسی

در جلسه نقد و بررسی نمایش "ریبواران" دو شرکت‌کننده کنجکاو خارجی به نام‌های سوزان و یان هم حضور داشتند. آنان دانشجوی هستند و برای انجام مطالعاتی در تئاتر ایران هم‌زمان با جشنواره به کشورمان سفر کرده‌اند. گزارشگر ما به سراغ آنها رفت و ماحصل صحبت آنان در زیر می‌آید:

سوزان در مورد نمایش ریبواران در جشنواره گفت: بهترین چیز در زندگی برای





## ارتباط بیشتر با یونینما را می‌خواهیم

گفتگو با محمد برومند  
کارگردان نمایش کاکلی از مشهد

● آقای برومند کمی در ارتباط با نمایش و شیوه‌ای که برای این اجرا برگزیدید توضیح بدهید.

برومند: نمایش عروسکی کاکلی کار گروه تئاتر سیمرغ وابسته به انجمن نمایش مشهد است. این گروه از سال ۱۳۷۴ فعالیت خود را آغاز است که البته بخش اعظم فعالیت‌های این گروه مختص به کودکان و نوجوانان و تئاتر عروسکی است. از کارهای گذشته این گروه در زمینه عروسکی می‌توان به نمایش‌های مادر جان سلام، افسانه آدمک، افسانه، رندان جهان، پرنده آوازه‌خوان و... اشاره کرد.

گروه سیمرغ حدود یک سال است که مرکز دائمی تولید و اجرای تئاتر و تئاتر عروسکی را تحت عنوان خانه نمایش در مشهد راه‌اندازی نموده است در این سالن خصوصی گروه سیمرغ به صورت مستمر اجرای نمایش دارد.

نمایش کاکلی به شیوه عروسکی شبه بوتراکو به صحنه آمد. قصه این نمایش به عنوان بهترین قصه فلسفی و عرفانی سال معرفی شده است و ما در اجرا سعی کرده‌ایم با توجه به مخاطب که کودکان و نوجوانان هستند مفاهیم فلسفی و عرفانی را با زبانی کودکانه منتقل کنیم.

● جایگاه تئاتر عروسکی را در شهرستان‌ها خصوصاً مشهد چگونه می‌بینید؟

برومند: با توجه به اینکه تئاتر عروسکی به مراتب مشکل‌تر از تئاتر صحنه‌ای است به همین نسبت نیز اساتید و هنرمندان عروسکی نیز کم‌ترند. اما استقبال کودکان و مدارس و مهدکودک‌ها از نمایش‌های عروسکی فوق‌العاده است. بد نیست اشاره کنم که تا سال گذشته تئاتر عروسکی در مدارس و آموزشگاه‌ها کار می‌شد که تئاتر

عروسکی مشهد نیز در جشنواره‌های آموزش و پرورش همیشه مطرح بود و اگر این روند ادامه می‌یافت مطمئناً تأثیر بسیار زیادی در گسترش تئاتر عروسکی در آموزش و پرورش داشت.

● جایگاه نمایشنامه‌نویسی عروسکی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برومند: در عرصه نمایشنامه‌نویسی برای تئاتر عروسکی متأسفانه بسیار کم کار شده است. به ویژه در زمینه چاپ متون عروسکی فعالیت بسیار ناچیز است. تنها چند نمایش به همت آقای ذوالفقاری چاپ شده است که از تلاش ایشان تشکر می‌کنم و امیدوارم به همت یونینما-مبارک در ارتباط با گروه‌های عروسکی نمایشنامه‌های عروسکی نیز چاپ و روانه بازار شود. همچنین کلاس‌های ویژه‌ای برای آموزش نمایشنامه‌نویسان در این دنیای جادویی برپا گردد.

● صحبت از یونینما مبارک شد آیا شما و گروه سیمرغ عضو این مرکز هستید؟ نظرتان در مورد این مرکز چیست؟

برومند: بله گروه سیمرغ عضو مبارک-یونینما است. اما سالهاست که ما هیچ اقدام سازنده و فعالیت و ارتباطی از یونینما-مبارک مشاهده نکرده‌ایم. در صورتی که یونینما-مبارک باید بیشتر از اینها با اعضا ارتباط داشته باشد و سرویس بدهد چه در زمینه آموزش و چه در زمینه فراهم کردن امکانات و فعالیت بیشتر گروه‌های عروسکی و ارتباط با گروه‌های خارجی و اطلاعات روز جهان.

● چه تعریفی از عروسک و نمایش عروسکی دارید؟

برومند: هر چیزی می‌تواند عروسک

باشد به شرط آنکه قدرت عروسک گردان به آن جان بخشد تا تماشاگر زنده بودن آن را باور کند و نمایش عروسکی دنیای تخیل، شگفتی و شادی است و هر زمان که تئاتر صحنه‌ای در بازگو کردن و نشان دادن تخیل ناتوان شود تئاتر عروسکی آغاز می‌شود.

● چه کارهایی را تا به حال در این جشنواره دیده‌اید و سطح کیفی این جشنواره را با چطور ارزیابی می‌کنید؟

برومند: زیباترین کاری که امسال دیده‌ام از گروه بلژیک بود حقیقتاً با عروسک یکی شده بودند، همچنین از ساخت عروسک‌های بسیار حرفه‌ای استاد "سرگئی ابراتسوف" لذت بردم که کاش به جای عروسک‌گردانی صرف، یک نمایش کامل از روسیه می‌دیدیم. در بخش کارهای ایرانی افسوس خوردم وقتی شنیدیم کارهای اساتیدی همچون آقایان غریب‌پور و عادل بزوده با آنکه در جدول اعلام شده بود اجرا نمی‌شوند، به نظر می‌رسد اجرا نشدن این کارها به شدت به اعتبار جشنواره لطمه می‌زند. در میان گروه‌های جوان گاه شاهد نوآوری‌هایی بودیم. با این حال با مقایسه با جشنواره‌های پیشین امسال به دلیل تعداد محدود گروه‌های خارجی و عدم اجرای گروه‌های حرفه‌ای سطح کیفی جشنواره پایین‌تر بود و استقبال مردم نیز بسیار کم بود. کاش می‌شد تاریخ برگزاری جشنواره را عوض کرد تا مردم فرصت استفاده از برنامه‌های جشنواره را داشته باشند. ■





## معرفی گروه‌ها

نوبدان، بهرام بهبهانی، صادق صادقی‌پور، الهام آشوری  
طراح دکور، لباس و نور: سرگل  
اسلامیان  
طراح عروسک: مینو جان محمدی، سلما  
محسنی  
ساخت عروسک: مینو جان محمدی،  
سلما محسنی، الهام آشوری، نازیلا نوری  
شاد  
آهنگساز: ناصر آریایی نژاد  
مدیر صحنه: سلما محسنی  
شیوه اجرا: سیاه

طراح دکور: مهناز اسماعیلی، فرحناز  
فیروزه‌چیان  
طراح لباس: سلما محسنی  
طراح نور: رضا صمدپور  
طراح و ساخت عروسک: سرگل  
اسلامیان  
آهنگساز: رضا داستانی  
مدیر صحنه: شمیم شیخ  
شیوه اجرا: سیاه و ماورا بنفش

### گروه سنندج

#### ریواران

نویسنده و کارگردان: محمدعلی  
عبدالملکی  
بازیگران: کارا عبدالملکی، کارن  
عبدالملکی، کامیار اردلان، ثامانج  
آزرمی، هوشیار ظاهرنی، پرویز کاظمی،  
رضا حاج خسروی، لیلا مجدی، حسنی  
حجت‌الساداتی، شاگو مؤمنی، میترا  
نحوی، شراره زارع، پاریس الله‌ویسی،  
زهرا دلیری، سروه صادقی، هیرو  
نامداری، رامین شیخ‌الاسلامی، سهیلا  
ابراهیمی، هانا هژبرپور، مرتضی حق‌بیان  
دستیار کارگردان: رامین شیخ‌الاسلامی  
طراح عروسک: محمدعلی عبدالملکی  
آهنگساز: آرمان طیفوری  
مدیر صحنه: شهلا شیخ‌زکریائی  
شیوه اجرا: پارچه‌ای

### سمفونی مردگان

نویسنده و کارگردان: سرگل اسلامیان  
بازیگران: سلما محسنی، مینو جان  
محمدی، فهیمه عابدینی مطلق، گلناز

### هلاپی شاگرد کفایت

نویسنده: ایوانا برلی مورانی



کارگردان و دراماتورژ: رابرت والتل و ایویکا  
بالجان  
عروسک ساز، طراحی و موسیقی: ایوا ماتیجا  
بیتانجا  
شاعر: رابرت والتل  
تکنولوژی عروسک: زدنکو ماجارون، ایویکا  
بیلک، ایوا ماتیجا بیتانجا، رابرت والتل  
نورپردازی: آندره هاجینچاک  
تکنسین: نیس هووار و مارکو لویسنیک  
تهیه کننده: مینی تئاتر لجویل جانا  
مدت زمان نمایش: ۴۵ دقیقه

### گروه بارون

#### دریاپری، کاکل زری

نویسنده: شهرام کهرابی  
کارگردان: مهرسان صفاریان  
بازیگران: روشنگ روشن، سلما  
محسنی، بهرام بهبهانی، هومن خوئی،  
نرگس مجد، بهنوش طاهری  
دستیار کارگردان: مریم معینی



۱۷

کاظمی، هومن جم، فاطمه جعفری

گروه: تئاتر بازی

**برج عقرب**

نویسنده: محمد چرمشیر

کارگردان: مریم کاظمی

بازیگران: فاطمه نقوی، مریم کاظمی،

صادق حدادی، وحید قاسمی، محمد

عاقبتی، سیروس همتی، آتیلا پسیانی

دستیار کارگردان: وحید قاسمی

مدیر صحنه: صادق حدادی

شیوه اجرا: سایه همراه با بازیگر زنده

گروه سایه

**عروسی طوقی**

نویسنده: ایرج کله‌جاهی اصل

کارگردان: نیما دهقان

بازیگران: الهام عسگری، مونا پارکی،

مهدی میرزائیان، علیرضا پورنوروز،

مشهود محسنیان، سعیده کمالی تفرشی

دستیار کارگردان: مشهود محسنیان

طراح دکور: مونا پارکی

طراح لباس: سعیده کمالی تفرشی

طراح پوستر و بروشور: فرهاد فزونی

طراح عروسک: کوچکی

آهنگساز: فراز تلالو

مدیر صحنه: نوید دهقان

شیوه اجرا: زنده و دستکشی

گروه تئاتر معاصر

**تنها ترین زیبای مرده**

بر اساس نمایشنامه "متأسفم خط روی

خط افتاده" ترجمه: جواد اعرابی،

بازنویسی و تنظیم برای نمایش

عروسکی: نادر برهانی مرند

کارگردان: محمد اعلمی، آزاده انصاری

بازیگران: پانته‌آ حمیدخانی، آذرخش

مخبری، مرجان احمدی، آزاده انصاری،

روی‌ا فلاحی

طراح دکور: پانته‌آ حمیدخانی

طراح عروسک: محمد اعلمی، پانته‌آ

حمیدخانی

انتخاب موسیقی: کوروش نریمانی

شیوه اجرا: تئاتر سیاه

گروه جوان

**نبرد فیروز**

نویسنده و کارگردان: علی اصغر



خطیب‌زاده

بازیگران: علی اصغر خطیب‌زاده، سعید

خجسته‌فر

طراح عروسک: رویا روحانی

ساخت عروسک: علی اصغر خطیب‌زاده،

روی‌ا روحانی

آهنگساز: علی وثوقی

شیوه اجرا: دستکشی و ماسک

گروه زندگی

**خرگلی پالون زری**

نویسنده: مرتضی کمیلی

کارگردان: پریناز آل‌آقا

بازیگران: جمشید عسگری، مهرداد

باقری، ابوذر چهل‌امیرانی

دستیار کارگردان: جمشید عسگری

طراح لباس: پریناز آل‌آقا

طراح عروسک: مهرداد باقری، علیرضا

فریدجم

ساخت عروسک: علیرضا فرید جم

آهنگساز: رضا باقری

مدیر صحنه: مرتضی کمیلی

شیوه اجرا: ماسک و دستکشی

گروه مهرگان

**فیفیل خان**

نویسنده: ایرج صادقی طاری، مهتاب

تبریزی

کارگردان: ایرج صادقی طاری

بازیگران: هادی ولی‌لو، ایرج صادقی

طاری، ابوذر امیرانی

دستیار کارگردان: حمیدرضا مرادی

طراح دکور: فرشید علیپور، معصومه

جعفری

طراح عروسک: مهتاب تبریزی

ساخت عروسک: مهتاب تبریزی، ایرج

صادقی طاری، منصور رحیلی

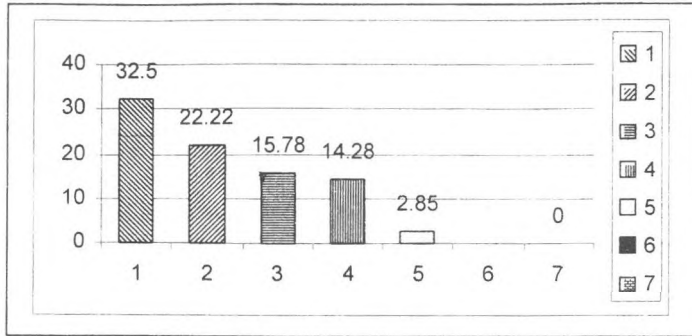
آهنگساز: رضا باقری

شیوه اجرا: دستکشی، تن پوش

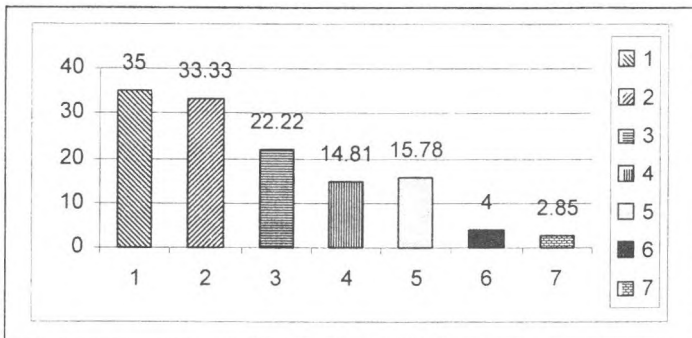




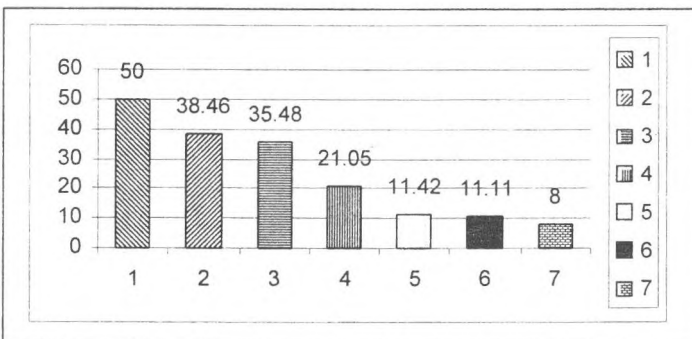
کیفیت نمایش‌های اجرا شده در چهارمین روز جشنواره از نگاه تماشاگران



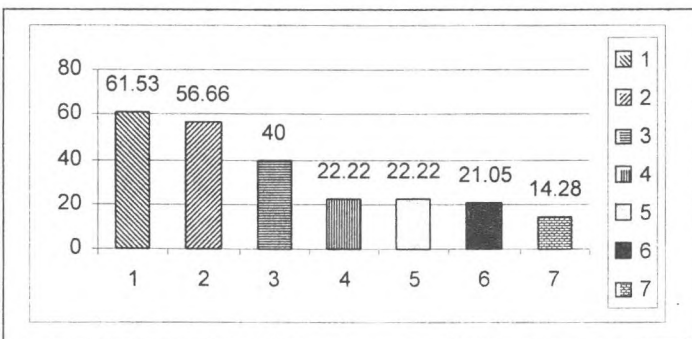
- نمایشنامه**
- جنگ سیاه ، صلح سبز / ۳۲،۵٪
  - دریا پری ، کاکل زری / ۲۲،۲۲٪
  - خوش آواز دارستان (ریبواران) / ۱۵،۷۸٪
  - ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۱۴،۲۸٪
  - گرگ و سه خوک کوچک / ۲،۸۵٪
  - لئوناردو و عروسکهایش / در این بخش ارزشیابی نشد
  - چولی قیزک / ۰٪



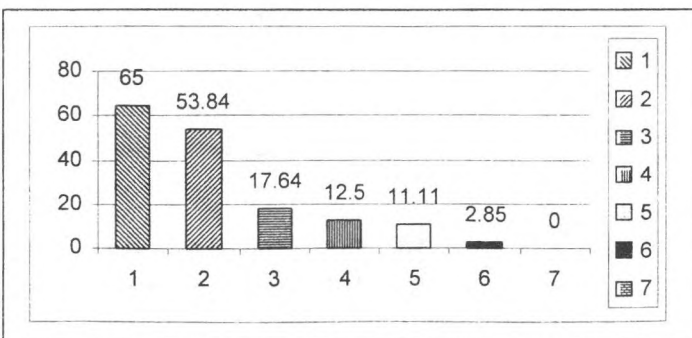
- کارگردانی**
- جنگ سیاه ، صلح سبز / ۳۵٪
  - ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۳۳،۳۳٪
  - دریا پری ، کاکل زری / ۲۲،۲۲٪
  - لئوناردو و عروسک هایش / ۱۴،۸۱٪
  - چولی قیزک / ۱۵،۷۸٪
  - خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۴٪
  - گرگ و سه خوک کوچک / ۲،۸۵٪



- عروسک گردانی**
- جنگ سیاه ، صلح سبز / ۵۰٪
  - ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۳۸،۴۶٪
  - لئوناردو و عروسکهایش / ۳۵،۴۸٪
  - چولی قیزک / ۲۱،۵٪
  - گرگ و سه خوک کوچک / ۱۱،۴۲٪
  - دریا پری ، کاکل زری / ۱۱،۱۱٪
  - خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۸٪

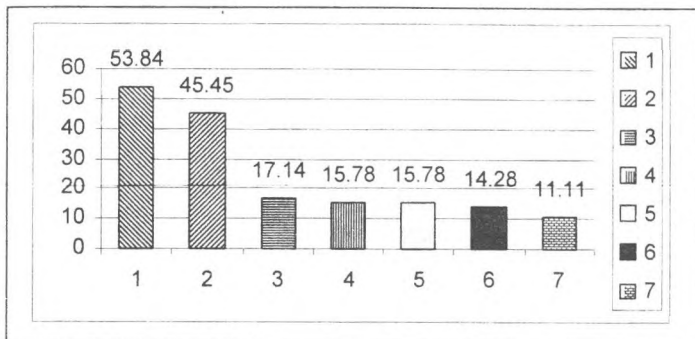


- طراحی و ساخت عروسک**
- ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۶۱،۵۳٪
  - لئوناردو و عروسکهایش / ۵۶،۶۶٪
  - جنگ سیاه ، صلح سبز / ۴۰٪
  - دریا پری کاکل زری / ۲۲،۲۲٪
  - خوش آوازان دارستان / ۲۲،۲۲٪
  - چولی قیزک / ۲۱،۰۵٪
  - گرگ و سه خوک کوچک / ۱۴،۲۸٪
- مشترکاً مقام چهارم

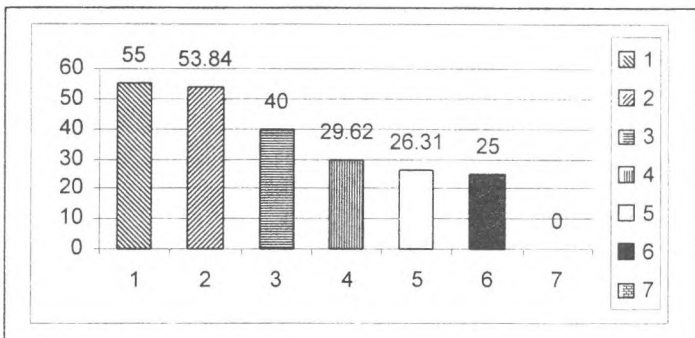


- طراحی صحنه**
- جنگ سیاه، صلح سبز / ۶۵٪
  - ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۵۳،۸۴٪
  - چولی قیزک / ۱۷،۶۴٪
  - لئوناردو و عروسکهایش / ۱۲،۵٪
  - خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۱۱،۱۱٪
  - گرگ و سه خوک کوچک / ۲،۸۵٪
  - دریا پری ، کاکل زری / ۰٪

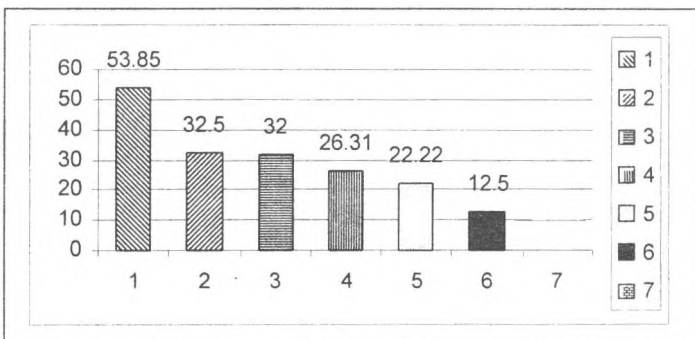




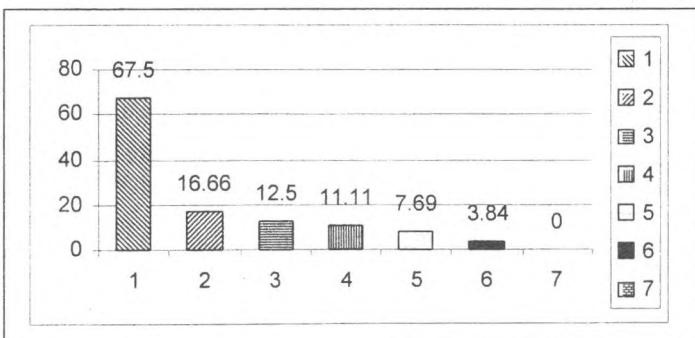
- ### طراحی لباس
۱. لئوناردو و عروسکهایش / ۵۳,۸۴٪
  ۲. جنگ سیاه، صلح سبز / ۴۵,۴۵٪
  ۳. گرگ و سه خوک کوچک / ۱۷,۱۴٪
  ۴. چولی قیزک / ۱۵,۷۸٪
  ۵. خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۱۵,۷۸٪
  ۶. ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۱۴,۲۸٪
  ۷. دریا پری، کاکل زری / ۱۱,۱۱٪



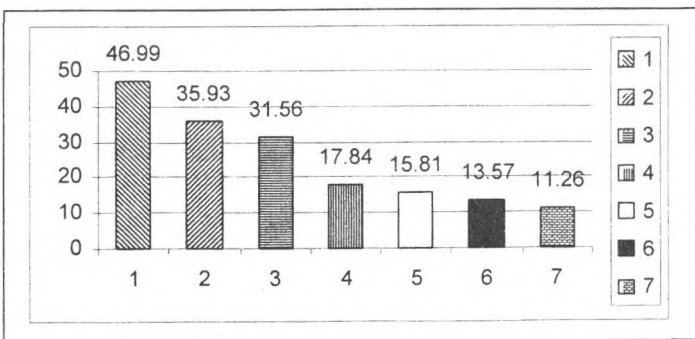
- ### موسیقی
۱. جنگ سیاه، صلح سبز / ۵۵٪
  ۲. ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۵۳,۸۴٪
  ۳. لئوناردو و عروسکهایش / ۴۰٪
  ۴. خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۲۹,۶۲٪
  ۵. چولی قیزک / ۲۶,۳۱٪
  ۶. گرگ و سه خوک کوچک / ۲۵٪
  ۷. دریا پری کاکل زری / ۰٪



- ### صدای عروسک ها
۱. ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۵۳,۸۵٪
  ۲. جنگ سیاه، صلح سبز / ۳۲,۵۰٪
  ۳. خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۳۲٪
  ۴. چولی قیزک / ۲۶,۳۱٪
  ۵. دریا پری، کاکل زری / ۲۲,۲۲٪
  ۶. گرگ و سه خوک کوچک / ۱۲,۵۰٪
  ۷. لئوناردو و عروسکهایش / در این بخش ارزشیابی نند



- ### نورپردازی
۱. جنگ سیاه، صلح سبز / ۶۷,۵۰٪
  ۲. چولی قیزک / ۱۶,۶۶٪
  ۳. گرگ و سه خوک کوچک / ۱۲,۵۰٪
  ۴. دریا پری، کاکل زری / ۱۱,۱۱٪
  ۵. لئوناردو و عروسکهایش / ۷,۶۹٪
  ۶. خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۳,۸۴٪
  ۷. ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۰٪



- ### بهترین نمایش
۱. جنگ سیاه، صلح سبز / ۴۶,۹۹٪
  ۲. ماجراهای هلاپی شاگرد کفاش / ۳۵,۹۳٪
  ۳. لئوناردو و عروسکهایش / ۳۱,۵۶٪
  ۴. چولی قیزک / ۱۷,۸۴٪
  ۵. خوش آوازان دارستان (ریبواران) / ۱۵,۸۱٪
  ۶. دریا پری، کاکل زری / ۱۳,۵۷٪
  ۷. گرگ و سه خوک کوچک / ۱۱,۲۶٪





*An Interview with A.Ghaffari, the Director of "Chehel Gis"*

We suffer from lack of facilities and academic instruction. We cannot exchange views and experiments with the foreign theatrical troupes due to lack of any relations with them. This results in a static situation in our puppetry. It is interesting to note that sometimes the Iranian young artists can achieve great success through their highly innovative approach to puppetry.

*An Interview with Mr. M.Sharif Kodaei, the director of the 8th International puppet theatre festival*

He refers to the politics which will be adopted to improve the puppet theatre in Iran. He also mentions some obstacles confronting the improvement of puppetry.

**The Swan Lake**

Writer: **S.Amirian**

Director: **K.F.Marandi**

Casts: **A.A.Dashti, I.Zoghi, N.Allmardani, Z.Karimi, Sh. Hashemian,**

**A.Namakchian, N.Rafee, L.Eskandary, A.Nikseresht, S.Shahroodi, H.Ehsani, K.Bamsi**

Assistant Director: **A.A.Dashti, S.Amirian**

Set Designer and Costume: **K.F.Marandi**

Light: **A.Kh.Mosadegh**

Puppet Designer: **J.Jarian Chalam**

Music: **S.Zehni**

Stage Manager: **A. Rasti**

Style: **Rod puppetry, shadow and live**

**Chehel Gis**

**Borgha Group:**

Wtired: **M.Charmshir**

Director: **A.Ghafari**

Casts: **Sh. Tajiki, N.Sayas, N. M o h a m a d i ,**

**M.Kiadarbandsari, N.Amini,**

**Z.Bonmaran, A.Sharifzade,**

**A. B a r a t i , A. F a s i h ,**

**A. R. F o o l a d s h e k a n ,**

**M.Sokhansanj, T.Jamehjarmi,**

**H.R.Heydari**

Assistan Director: **A.Fasih**

Costume and Set Designer:

**S.Kahorinejad**

Puppet Desinger: **A.Ghafari,**

**S.Kahorinejad**

Puppet Maker: **S.Kahorinejad**

Music: **R.Azadavar**

Stage Manager: **F.Shabani**

Style: **Bunrokau**

**Adamak Group**

**Shirzad Khan**

Writer & director: **A.Semnani**

Casts: **A.Afshari, A.Salehi,**

**A.Beykmohamadi, A.Semnani,**

**A.Palog, A.Ghahraman,**

**A.Poursafa, H.Abasi, F.Falah**

Assistant Director: **A.Afshari,**

**M.M.Samadi**

Costume Designer: **N.Samiee**

Puppet design: **M.M.Samadi**

Puppet maker: **A.SavadKohl,**

**H. S a v a d K o h i , I. A g h a**

**Hosseini, M.A.Mostafied**

Music: **Sh.Mirseraji**

Style: **Bunrako**

**Naughty cock**

**Naughty cock Group**

Writer: **A.Bahrami**

Director: **S.Rahimi**

Casts: **S.Cheraghpedar**

Costume and Set Designer:

**H.Taheri**

Puppet Designer: **H.Taheri**

Puppet maker: **H. T a h e r i ,**

**F.Taheri**

Music: **H.Azma**

Style: **Glove puppet, puppetry, puppeteer**



**An Interview with  
A.A. Khateebzadeh**

He says that "Firooz's Battle" was first based on improvisation which determined the theme, plot, and atmosphere. The atmosphere required such a humorous character as Firooz. This thirty minute play is the product of 100 hours of improvisation.

**An Interview with  
Heydarpour Fard**

He says that Jijibiji is a traditional puppet theatre performed hundreds of years ago in Shiraz. This play, performed by travelling troupes, was accompanied by music. He mentions that Pahlavan Kachalak deals with the adventures of Pahlavan Kachalak who saves a princess imprisoned by the devils and Ververeh Jadoo.

**An Interview with  
M.Alami and A.Ansari**

They believe that the theatrical troupes need to be supported by the Centre of

Dramatic Arts so that they might have regular performances. They also feel the need to change people's attitude toward puppet theatre, explaining to them that puppet theatre addresses not only children but also adults.

**An Interview with  
J.Zolfaghari**

J.Zolfaghari believes that those involved in puppet theatre in Iran are well-informed of the recent knowledge as well as modern techniques despite the limited relations with the puppet theatrical troupes in the world. He also stresses the need for regular performances by both private and state troupes to develop the puppet theatre in Iran. Establishing theatres and carrying out researches are necessary for the further development of puppet theatre.

**An Interview with  
S.Hemmati, the Director of**

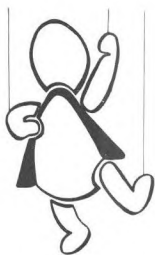
**"The Pond Story"**

It is the first time that S.Hemmati, as the director and puppeteer, attends the puppet theatre festival. He says that puppetry is animating the lifeless objects. He believes that there is no difference between the street puppet theatre and the plays performed on the stage. The only difference being a closer communication with the audience in the street puppet theatre. He refers to the employment of improvisation in their performance as well as the objects available and within reach to achieve such a close communication.

**An Interview with  
J.Jaryan.Ghalam, the puppet  
maker of "The Swan Lake"**

Jaryan Ghalam, a graduate in puppet theatre, says that it is years he has been making puppets. He regards creativity and technique as indispensable factors in communicating the message in any art. He holds this belief that art without creativity cannot be called art.





# هشتمین جشنواره بین المللی نمایشهای عروسکی تهران - ۱۹ تا ۲۵ شهریور ماه



## 8th International Puppet Theatre Festival

Tehran - 8- 15 September 2000

مراسم افتتاحیه - دیدار عروسکها - ساعت ۱۷ تا ۱۸ بعدازظهر - فضای باز تئاتر شهر

تالار هنر ساعت ۱۷-۱۹	سالن شماره دو ساعت ۱۷-۱۹	سالن قشقایی ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰	سالن سایه ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰	سالن چهارسو ساعت ۱۸ و ۲۰	سالن اصلی تئاتر شهر ساعت ۱۷ و ۱۹	تالار وحدت ساعت ۱۸ و ۲۰	زمان / مکان
پفگلی ○ پریسامدرس صادقی، بهرام قاسمی ۴۵ دقیقه	خروس بلا* سنبل رحیمی ۶۵ دقیقه	شیرزاد خان □ آفرین سمنانی ۴۰ دقیقه	چهل گیس ○ عباس غفاری ۵۰ دقیقه	خمیه شب بازی استاد اصغر احمدی ۶۰ دقیقه	دریاچه قو* کتایون فیض مرندی ۶۰ دقیقه	سه نمایش از سرگنی ابرانسوف □ روسیه ۶۰ دقیقه	شنبه ۱۹ شهریور
هر نخودی که نخودی نمیشه □ فریبا چوپان نژاد (نجف آباد) - ۵۰ دقیقه	طوطی نامه ○ مهران تیزکار ۶۰ دقیقه	ذکر خنجر □ مهدی یوسفی (گنبدکاووس) - ۳۵ دقیقه	OETSE - POETSI پلژیک ۴۰ دقیقه	خمیه شب بازی استاد اصغر احمدی ۶۰ دقیقه	آهای دوستانو شناس □ عادل بزوده ۶۰ دقیقه	سه نمایش از سرگنی ابرانسوف □ روسیه ۶۰ دقیقه	یکشنبه ۲۰ شهریور
تئاتر سایه های افلیا ○ شیدا صفوی ۷۵ دقیقه	سمفونی تاریک ○ مینو جان محمدی ۴۰ دقیقه	کاکلی ○ محمد پرومند (مشهد) - ۶۰ دقیقه	کاغذ پاره ها پلژیک ۴۰ دقیقه	لئوناردو و عروسکهایش اتریش ۲۰ دقیقه	قوز بالای قوز ○ کریم سعیدیان ۶۰ دقیقه	گرگ و سه خوک کوچک یونان ۶۰ دقیقه	دوشنبه ۲۱ شهریور
ویبوران ○ محمدعلی عبدالملکی (سندسج) - ۵۰ دقیقه	دریا، پری، کاکل زری* مهرسان صفاریان ۵۰ دقیقه	چولی فیزک □ علی اصغر نادعلی (گنبدکاووس) - ۶۰ دقیقه	ماجراهای هلابی شاگرد کفانش کروواسی ۴۵ دقیقه	لئوناردو و عروسکهایش اتریش ۲۰ دقیقه	جنگ سیاه صلح سبز* فردوس حاجیان ۵۵ دقیقه	گرگ و سه خوک کوچک یونان ۶۰ دقیقه	سه شنبه ۲۲ شهریور
کودک غریب □ حسن دادشکر ۶۰ دقیقه	سمفونی مردگان ○ سرگل اسلامیان ۵۰ دقیقه	عروس طوقی ○ نیما دهقان ۶۵ دقیقه	ماجراهای هلابی شاگرد کفانش کروواسی ۴۵ دقیقه	در برج غریب □ مریم کاظمی ۳۵ دقیقه	علی بابا و چهل دزد بغداد □ اردشیر کشاورزی - ۱۲۰ دقیقه ساعت اجرا: ۱۶ و ۱۹	رام کردن وحشی هند ۸۰ دقیقه	چهارشنبه ۲۳ شهریور
پهلوان کچل و وروره جادو □ هما جدیکار ۵۰ دقیقه	بی بی جان خانم □ علی رضا همتیان (بیجار) - ۳۰ دقیقه	نخودی ▲ علی اکبر حلیمی (مشهد) - ۶۰ دقیقه	تنهاترین زبای مرده ○ محمد اعلمی - آزاده انصاری ۳۵ دقیقه	سیاوش و فرنگیس ○ جواد ذوالفقاری - ۱۲۰ دقیقه ساعت اجرا: ۱۷ و ۲۰	علی بابا و چهل دزد بغداد □ اردشیر کشاورزی - ۱۲۰ دقیقه ساعت اجرا: ۱۶ و ۱۹	رام کردن وحشی هند ۸۰ دقیقه	پنجشنبه ۲۴ شهریور
مراسم اختتامیه - تالار وحدت - ساعت ۷ بعدازظهر							جمعه ۲۵ شهریور

مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
- اتحادیه نمایشگران عروسکی - مبارک یونیم  
- با همکاری معاونت فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران

- ▲ ویژه کودکان
- ویژه کودکان و نوجوانان
- \* ویژه نوجوانان
- ویژه بزرگسالان

تالار وحدت: خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار ۶-۱۰۱-۶۷۰  
تئاتر شهر: چهار راه ولیعصر - ۵-۵۹۲-۶۴۶۰  
تالار هنر: خیابان شهید مفتاح، ضلع جنوبی ورزشگاه شهید شیرودی - خیابان ورزنده - ۸۳۰۶۶۴۰  
● نقد و بررسی نمایش های ایرانی پس از سانس دوم هر نمایش در همان سالن برگزار می گردد.



